



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 36, Issue 3, No.99, 2025, pp 1-28

Received: 10.08.2024 Accepted: 13.04.2025

Research Paper

Factors Affecting Attitudes towards Cohabitation among Iranian Youth

Reyhaneh Ghasemi Neyasar

M.A. in Demography, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
ghasemi.reyhane@ut.ac.ir

Rasoul Sadeghi*

Associate professor, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
rassadeghi@ut.ac.ir

Fatemeh Torabi

Professor, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
fatemeh_torabi@ut.ac.ir

Introduction

In previous decades, marriage has been more prevalent, while cohabitation has been largely limited to specific social groups. However, attitudes toward cohabitation are shifting in many countries, resulting in its increased acceptance and prevalence. In Iran, although some young people still hold disapproving views about cohabitation, its occurrence is rising, particularly in major cities like Tehran. The theory of the second demographic transition highlights that growing individualism, secularism, and gender egalitarianism have contributed to the emergence of new family structures, including cohabitation. This article aimed to explore young individuals' perspectives on cohabitation and analyze the factors influencing these attitudes.

Materials & Methods

This study conducted a secondary analysis of data from the 2020 National Survey of Values and Attitudes of Youth. The data collection tool for this survey was a questionnaire administered through face-to-face interviews. The sample comprised 11,573 individuals aged 18 to 35 years, residing in both urban and rural areas across 31 provinces of the country. A multi-stage sampling method was employed for sample selection. The demographic characteristics of the sample were as follows: the average age of respondents was approximately 27 years. Most participants (about 53%) were unemployed. In terms of religion, the majority of the sample population (89%) identified as Shia Muslims and 74% of respondents resided in urban areas.

The dependent variable was the attitude toward cohabitation measured using a question on a 5-point Likert scale. Independent variables included demographic factors (gender, age, marital status, education level, employment status, ethnicity, religion, and place of residence), family-related factors (economic status of the household, family cohesion, and supervision), attitudes toward marriage and

interactions with the opposite sex, and a cultural consumption index. For the multivariable analysis, the Ordinal Logistic Regression test was utilized.

Discussion of Results & Conclusion

The findings indicated that approximately 31% of participants held modern views on marriage and its stability, while 55% adopted moderate views and 14% maintained traditional perspectives. About 63% of respondents had a favorable outlook on friendships between girls and boys, whereas around 28% opposed such relationships. Moreover, the data revealed that the majority of respondents did not support cohabitation, with only about 15% expressing a positive attitude toward it. Although the acceptance of cohabitation remained low in Iranian society, the increasing trend compared to the 2015 survey on values and attitudes suggested that this phenomenon could become significant in the future. Consequently, one of the challenges facing marriage and family formation in the coming decades will be the rising trend of cohabitation.

The analysis also showed that individuals with a

* Corresponding author



favorable view of cohabitation were typically male, unmarried, aged 18 to 23 years, unemployed, of Persian ethnicity, and residing in urban areas. Furthermore, the results of the ordinal logistic regression analysis indicated that various demographic factors—such as gender, age, marital status, ethnicity, religion, and place of residence—along with family socioeconomic status, attitudes toward marriage, interactions with the opposite sex, and cultural consumption positively influenced attitudes toward cohabitation. Conversely, the multivariable analysis revealed a significant negative relationship between family cohesion and monitoring and attitudes toward cohabitation. In other words, as family cohesion and oversight increased, favorable attitudes toward cohabitation decreased.

The model demonstrated a relatively good fit, collectively explaining about one-third of the variance in the dependent variable. These findings align with the assumptions of

theories related to diffusion, social control, the second demographic transition, and cultural change, which provide suitable explanations for attitudes toward cohabitation.

In conclusion, this study underscored that cohabitation, despite encountering some resistance, presented a significant challenge to the social and cultural norms of Iran. The rise in cohabitation was anticipated to become a key obstacle to traditional marriage and family structures in the years to come. Addressing this issue through awareness-raising initiatives and preventive measures is essential. Given the potential negative impacts of cohabitation on Iranian society, culture, and family well-being, further research in this area is advisable, along with the development of policies to support the marriage of young individuals.

Keywords: Cohabitation, Marriage Attitude, Value-Cultural Orientation, Family Cohesion, Cultural Consumption, Youth.



مقاله پژوهشی

عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به همبashi در ایران

ریحانه قاسمی نیاسر، کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ghasemi.reyhane@ut.ac.ir

رسول صادقی ، دانشیار، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

rassadeghi@ut.ac.ir

فاطمه ترابی، استاد، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

fatemeh_torabi@ut.ac.ir

چکیده

هدف مقاله حاضر، شناخت نگرش جوانان ایرانی به همبashi یا زندگی مشترک بدون ازدواج و بررسی عوامل تعیین‌کننده آن با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان کشور در سال ۱۳۹۹ است. تعداد نمونه بررسی شده شامل ۱۱۵۷۳ نفر از جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال ساکن در مناطق شهری و روستایی در ۳۱ استان کشور است. یافته‌ها نشان داد که بیشتر افراد بررسی شده مخالف همبashi بوده‌اند و درمقابل، حدود ۱۵ درصد پاسخ‌گویان نگرشی موافق به سبک زندگی همبashi داشته‌اند. همچنین براساس یافته‌ها، افراد دارای نگرش موافق به همبashi را مردان، افراد بدون همسر، در سنین ۱۸-۲۳ سال، غیرشاغل، فارس‌زبان و ساکن شهرها تشکیل می‌دهند. نتایج تحلیل رگرسیون رتبه‌ای نشان داد که نگرش به همبashi به‌طور معناداری متأثر از عوامل جمعیتی، شامل جنسیت، سن، وضعیت تأهل، قومیت، مذهب و محل سکونت است. به علاوه، وضعیت اقتصادی خانوار، نگرش به ازدواج، معاشرت با جنس مخالف و مصرف کالاهای فرهنگی، رابطه مثبت و نظارت و انسجام خانوادگی رابطه منفی با نگرش به همبashi داشته‌اند؛ بدین ترتیب، یکی از چالش‌های فراروی ازدواج و تشکیل خانواده در دهه‌های پیش‌رو افزایش زندگی‌های همبashi خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: همبashi، نگرش ازدواجی، جهت‌گیری ارزشی-فرهنگی، انسجام خانوادگی، مصرف فرهنگی، جوانان

* نویسنده مسؤول

قاسمی نیاسر، ریحانه، رسول. و ترابی، فاطمه. (۱۴۰۴). عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به همبashi در ایران. *جامعه‌شناسی کاربردی*; ۳۶(۳)، ۱-۲۸.

<https://doi.org/10.22108/jas.2025.142259.2537>



مقدمه و بیان مسئله

خانواده را می‌توان نخستین سلول و واحد زندگی اجتماعی دانست که شروع آن، به‌واسطه ازدواج رسمی و قانونی است. نهادهای ازدواج و خانواده متأثر از تحولات ساختاری، فرهنگی و درمجموع متأثر از موقعیت جوامع درحال گذار از نظام سنتی به نظام مدرن، دگرگونی‌های درخور توجهی را به خود دیده‌اند. تحولاتی که منجر به ایجاد نگرش‌ها و باورهای جدیدی به ازدواج و روابط زناشویی در بین زنان و مردان شده است (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۳)؛ در نتیجه، با غالب شدن ایده‌های جدید در زمینه خانواده و ازدواج، الگوهای رفتاری قدیمی نظیر ازدواج و باروری درحال تغییر و تحول هستند و در بسیاری از موارد، هنجارهای جدیدی جایگزین هنجارهای قدیمی می‌شوند (Wu & Balakrishnan, 1992)؛ از این رو، یکی از تغییرات در حوزه خانواده، شکسته شدن هنجارهای سنتی و پیدایش الگوهای جدید زندگی خانوادگی است. ازدواج در دهه‌های گذشته شیوع بالایی داشت و همبستگی اندک و محدود به اقشار خاصی از جامعه بود (Villeneuve-Gokalp, 1991)؛ اما امروزه، نگرش‌ها به همبستگی در بسیاری از کشورهای دنیا به سرعت درحال تغییر است و شیوع آن درحال افزایش است (Thornton & Young-DeMarco, 2001).

باوجود تأثیر تحولات ساختاری در تبیین تغییرات ازدواج و خانواده، برخی پژوهش‌های صورت گرفته در کشورهای آسیایی بیانگر این موضوع است که مدرنیزه شدن و تحولات ساختاری آن، در جهت تبیین روند و جریان دگرگونی و تحولات ازدواج کافی نیست (صادقی و رضایی، ۱۳۹۸) و به‌جای آن به‌طور مداوم بر تأثیر و اهمیت عوامل فرهنگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها افزوده می‌شود؛ ارزش‌ها و نگرش‌ها در ایجاد رفتار و کنش‌های فردی و اجتماعی نقشی جدی دارند؛ بنابراین، می‌توان تبیینی از تحولات به‌وجودآمده در حیطه طلاق، ازدواج و خانواده را با مطالعه نگرش‌ها و عقاید نسل جدید به ازدواج و روابط پیش از ازدواج ارائه داد (عظیمی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴؛ صادقی و رضایی، ۱۳۹۸).

امروزه ازدواج‌ها با تأخیر رخ می‌دهد و فاصله میان بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی در کشور به حدود ۱۵ سال رسیده و به‌طور مداوم درحال افزایش است و این در شرایطی است که ازدواج تنها روش قانونی و مشروع برای برقراری رابطه جنسی در ایران به حساب می‌آید (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱). افزایش طلاق و اختلافات زناشویی، مهاجرت و زندگی در کلان‌شهرها و عدم نظارت و کنترل خانواده، فقدان تمکن مالی افراد برای ازدواج و تشکیل خانواده و رواج و گسترش الگوهای جدید روابط جنسی پیش از ازدواج، پاره‌ای از تهدیدات پیش‌روی بنیان خانواده در ایران است (کریمیان و زارعی، ۱۳۹۵). در این شرایط، شماری از افراد به سراغ روابط کوتاه‌مدت و عاشقانه می‌روند؛ اما خود این روابط عاشقانه در شکل‌های پیشرفته و توسعه‌یافته، سبک زندگی همباشی را سبب می‌شوند (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۴). همباشی یا زندگی مشترک بدون ازدواج شکلی از زندگی مشترک است که در آن زن و مرد بدون ازدواج قانونی و ثبت در اسناد و مدارک با همدیگر زندگی مشترک را شکل می‌دهند و با هم رابطه جنسی و عاطفی برقرار می‌کنند (هادی‌زاده و فرحزادی، ۱۳۹۲). این سبک از زندگی رقیب سرسخت و مهم ازدواج است. همباشی، فارغ از قواعد و ضوابط، آداب و رسوم، چهارچوب‌ها و قیود ازدواج است (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰؛ ابراهیمی، ۱۳۹۸). این شکل از رابطه ریشه‌های عمیقی در غرب دارد و برگرفته از تغییرات اقتصادی و اجتماعی میانه قرن بیستم در کشورهای غربی است که علل و عوامل این تغییرات را می‌بایست در انقلاب جنسی اواخر دهه ۱۹۶۰ در اروپا و آمریکا ریشه‌یابی کرد. این انقلاب به‌آهستگی گفتمان جنسی و نگرش، اخلاق و رفتار جنسی را در بیشتر کشورهای غربی با تغییراتی اساسی روبه‌رو کرد. بسط و ترویج روابط جنسی پیش از ازدواج در این کشورها یکی از درخور توجه‌ترین و بااهمیت‌ترین پیامدهای انقلاب جنسی در غرب است. انقلاب جنسی از طریق اسطوره‌زدایی از رابطه جنسی، آن را تبدیل به امری عادی و معمولی کرد که پیش از ازدواج به‌آسانی می‌توان به آن دست یافت. درحال حاضر

هدف کلی این پژوهش، شناخت نگرش جوانان به سبک زندگی همبازی و عوامل مؤثر بر آن است؛ در این راستا دو هدف زیر بررسی می‌شود:

— شناخت تفاوت‌های نگرش به سبک زندگی همبازی در میان زیرگروه‌های مختلف اجتماعی-جمعیتی؛
— تعیین اثرگذاری عوامل مؤثر بر نگرش جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال به سبک زندگی همبازی.

پیشینه پژوهش

مطالعات قبلی انجام‌شده در حوزه همبازی در دو گروه مطالعات داخلی و خارجی بررسی شد. مطالعات بررسی‌شده، سه گروه الف) مطالعات مربوط به سبک زندگی همبازی، ب) مطالعات مربوط به نگرش به سبک زندگی همبازی و ج) مطالعات مربوط به تمایل و گرایش به سبک زندگی همبازی را در برمی‌گیرد. مطالعات صورت‌گرفته در گروه الف، ابعاد مختلفی از پدیده سبک زندگی همبازی همچون تجربه زیسته همبازان، علل و عوامل بروز این پدیده، وضعیت زندگی همبازان، انواع این روابط، آسیب‌ها و پیامدها و چالش‌های این سبک از زندگی را بررسی کرده است و از رویکرد کیفی استفاده کرده‌اند. مطالعات موجود در گروه ب، نوع نگرش به سبک زندگی همبازی و عوامل اثرگذار بر نگرش به این سبک زندگی را با رویکردهای کمی و کیفی بررسی کرده‌اند. همچنین مطالعات گروه ج، تمایل و گرایش به این مدل زندگی را در برمی‌گیرد و با رویکرد کیفی صورت گرفته‌اند که در جدول ۱ به‌طور خلاصه به آنها اشاره شده است.

سبک زندگی همبازی نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته، بلکه در کشورهای در حال توسعه هم در حال شیوع و گسترش است؛ به‌طوری‌که شماری از این نوع سبک زندگی در کشورهای آسیایی گزارش شده است (زاهدی اصل و همکاران، ۱۴۰۰).

نکته درخور توجه و مهم این است که ولو اینکه امکان دارد همبازی پیامد بعضی تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یا شیوه زندگی امروزی و نوین و بلکه شاید شکلی از انتقاد و مخالفت به وضع ازدواج باشد؛ ولی تداوم و گسترش آن می‌تواند مسئله مهم و سد راهی برای ازدواج و تشکیل خانواده در جامعه ایران در آینده محسوب شود (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). تحقیقات انجام‌شده در این زمینه حاکی از متداول شدن این مدل سبک زندگی به‌خصوص در تهران از آغاز دهه ۱۳۹۰ به بعد و همچنین روند صعودی آن است (ابراهیمی، ۱۳۹۸). در ایران، با وجود اینکه بسیاری از جوانان هنوز با این سبک زندگی مخالف هستند (امیدوار، ۱۳۹۸)، شیوع آن در برخی از مناطق، به‌ویژه در کلان‌شهرها و به‌خصوص تهران در حال افزایش است؛ از این‌رو، همبازی از واقعه‌ای نادر به روابطی سریع بدل شده است.

مطالعه و شناخت نگرش به همبازی به‌عنوان بستر و مقدمه شکل‌گیری سبک زندگی همبازی در جامعه ایرانی مهم است. این مطالعه با بررسی و تحلیل نگرش‌های نسل جوان به سبک زندگی همبازی تلاش دارد تا ضمن شناسایی روندها و تفاوت‌های موجود، تصویری روشن از این پدیده ارائه دهد و زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی مناسب برای مدیریت تغییرات باشد؛ در همین راستا، مطالعه پیش‌رو به دنبال پاسخ به این سؤال است که نگرش جوانان ایرانی به همبازی چگونه است و چه عواملی بر آن اثرگذارند.

جدول ۱- مرور مطالعات پیشین در حوزه همبازی

Table 1- Summary review of previous studies on cohabitation

ردیف	نویسنده	سال	ابعاد و عوامل بررسی شده
۱	آزاد ارمکی و همکاران	۱۳۹۰	شش دسته از الگوی روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران: الف) گفت‌وگو پیشامردن: ۱. روابط آزاد (روسپی‌گری)؛ ۲. روابط صیغه‌ای [روابط غیرعاشقانه]؛ ب) گفت‌وگو مردن: ۳. روابط مبتنی بر فریب [روابط ضدعاشقانه]؛ ۴. روابط دوست‌دختر-دوست‌پسر و ۵. روابط هم‌خانگی [روابط عاشقانه]؛ ج) گفت‌وگو پسامردن: ۶. عشق سیال.
۲	آزاد ارمکی و همکاران	۱۳۹۱	علل و انگیزه‌های هم‌خانگی: تغییرات اقتصادی (گسترش نظام سرمایه‌داری و افزایش ناامنی شغلی)؛ تغییرات فرهنگی (بازاندیشی، آرمان‌زدایی از سنت، پیدایش ارزش‌های جدید، افزایش ارزش استقلال و آزادی فردی، لیبرالیسم اخلاقی، احساس انومی، شکل‌گیری گرایش‌های روشن‌فکرانه، الگوهای جدید همسریابی)؛ ورود عناصر نوسازی (ورود رسانه‌های جهانی (ماهواره و اینترنت)، افزایش امکانات ارتباط شخصی و پنهان (چت، اس‌ام‌اس)؛ آموزش مدرن (گسترش دانشگاه‌ها)، کلان‌شهرنشینی و فرصت گمنامی)؛ تغییرات خانواده (ورود دختران به عرصه‌های اجتماعی (دانشگاه و محیط کار)، تسهیل روابط دختر و پسر، افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، کاهش کنترل خانواده بر فرزندان، شکاف نسلی، شبکه‌ی گروه‌های دوستی سوژه)
۳	هادیزاده و فرحزادی	۱۳۹۲	عوامل مؤثر در شروع این شیوه زندگی: مشکلات خانوادگی، ترس از تنهایی، هیجان‌طلبی، نیاز به استقلال، ترس از ازدواج سنتی و مراسم سنتی آن، احساس علاقه‌مندی، رهایی از محدودیت‌های اجتماعی؛ نگرانی‌هایی که برای افراد مطالعه‌شده وجود داشتند که در زندگی مشترک دیده نمی‌شوند: داشتن استقلال، عدم دخالت اطرافیان در زندگی خصوصی افراد، دشواری‌های موجود بر سر راه ازدواج نظیر مشکلات اقتصادی و مالی، فرایند خواستگاری تا ازدواج، مهریه، کنارآمدن با خانواده همسر، تعهدات وابسته به نقش همسری.
۴	ایرانخواه و همکاران	۱۳۹۴	عوامل بروز این پدیده: شدت گرفتن تمایل به تحصیل، تغییرات ایجادشده در نحوه ایجاد، نوع و میزان روابط، عدم توانایی جامعه در پاسخ مناسب به نیاز ازدواج کردن در افراد، تغییرات کلان اجتماعی و فرهنگی، تغییر و ضعیف شدن نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها و اعتقادات دینی، تأثیرات منفی حاصل از شرایط بد اقتصادی، عدم ازدواج به‌موقع، فراهم نبودن شرایط ازدواج، کم‌کاری و عدم برنامه‌ریزی کلان، برای تسهیل امر ازدواج و عدم آینده‌نگری؛ پیامدها: تهدید تشکیل شدن و برقراری نظام خانواده و همچنین آینده زنان، تأثیرات منفی بر اخلاق، تربیت و اجتماع در حوزه کلان، کاهش جمعیت و همه‌گیر شدن این سبک جدید زندگی مشترک.
۵	صفری	۱۳۹۴	شرایط زمینه‌ای: تهران شهر بی‌نظارت، تقلیل کارکرد و اهمیت خانواده، مهاجرت؛ شرایط علی: دید منفی به ازدواج مرسوم، باورهای فمینیستی و عدم اعتقاد و پایبندی به ارزش‌های دینی جامعه؛ شرایط میانجی: درگیری در فرایند عاشقانه، آشنایی با ازدواج سفید؛ پیامدها: ازدواج سفید رابطه برابر، ازدواج سفید رابطه با پایان باز، تجربه رضایت‌بخش از این سبک زندگی، موانع داخلی رابطه، محدودیت‌های خارجی رابطه به‌عنوان تعاملات و تحمل ضرر و زیان ناشی از اتمام رابطه و ازدواج یا قول به ازدواج در جهت برطرف کردن موانع خارجی؛ مقوله هسته‌ای: ازدواج سفید رابطه‌ای کم‌دوام ناشی از تضاد ارزش‌های مدرن با سنتی در بستر کلان‌شهر.
۶	کریمیان و زارعی	۱۳۹۵	مقوله‌های به‌دست‌آمده از وضعیت زنان هم‌خانه: رضایت نسبی از رابطه، تعهد متقابل ضعیف، کیفیت پایین رابطه، ترس از قضاوت خانواده و جامعه، آسیب‌های شخصی، رابطه معامله‌گونه و نداشتن تصمیم برای ازدواج.
۷	فرامرزی و همکاران	۱۳۹۶	شرایط علی: ناکامی در ازدواج، ریسک‌پذیری ازدواج، گسست از خانواده، تعهدات پرتکلف ازدواج، رشد فردگرایی، اصالت نیازهای جنسی و عاطفی، سنت‌گریزی؛ شرایط مداخله‌گر: ترس از بی‌خانمانی، لذت‌جویی؛ راهبردها: رشد همبازی، رشد سبک‌های نوین زندگی؛ پیامدها: شکستن ساختارهای سنتی خانواده، عدم تمایل به ازدواج، عدم تمایل به فرزندآوری، هنجارشکنی، بالارفتن سن ازدواج، تعارض با قانون، امنیت اقتصادی، برآورده شدن نیازهای جنسی و عاطفی.

الف) مطالعات مربوط به سبک زندگی همباشی

ردیف	نویسنده	سال	ابعاد و عوامل بررسی شده
۸	امیدوار و همکاران	۱۳۹۷	شرایط علی: فاصله بین بلوغ جنسی و اقتصادی، فردگرایی، تفاوت نسلی، بازاندیشی، در نظر گرفتن هزینه-سود؛ شرایط زمینه‌ای: تغییر سبک زندگی، تقدس‌زدایی از ازدواج، مهاجرت شغلی-تحصیلی؛ شرایط مداخله‌گر: آشناسدن با سبک زندگی همباشی، تجربه دوستی با جنس مقابل، داغ ننگ؛ راهبردها: بازتعریف نقش‌های جنسیتی، رضایت‌بخش بودن زندگی همباش‌ها؛ پیامدها: الف) فردی: آسیب‌پذیری دختران، عدم ثبات (تعهد) در زندگی همباش‌ها و ب) اجتماعی: کاهش کارکرد خانواده، کاهش تعاملات اجتماعی.
۹	رمضانی‌فر و آدیش	۱۳۹۷	عوامل گرایش به ازدواج سفید: وضعیت اقتصادی، مشکلات مربوط به طلاق، کاهش کنترل والدین، نیازهای جنسی و عاطفی، جهانی‌شدن، فردگرایی، کم‌رنگ‌شدن اعتقادات دینی و دوستان؛ محدودیت‌های این سبک زندگی: عدم‌پذیرش از سوی جامعه و خانواده، فقدان حمایت قانونی و داشتن رابطه پنهانی.
۱۰	امیدوار	۱۳۹۸	شرایط علی: بی‌تفاوتی عاطفی، تفاوت نسلی، بازاندیشی، هزینه-سود؛ شرایط زمینه‌ای: فاصله بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی؛ مهاجرت شغلی-تحصیلی، تجربه زندگی مجردی؛ شرایط مداخله‌گر: تغییر سبک زندگی، تقدس‌زدایی از ازدواج؛ داغ ننگ؛ استراتژی‌ها: آشنایی با همباشی، تجربه دوستی با جنس مقابل، بازتعریف نقش‌های جنسیتی، تقسیم هزینه‌های زندگی بین دو طرف، رفع موقت نیازها؛ پیامدها: آسیب‌پذیری دختران و پسران، داغ ننگ، عدم ثبات در زندگی همباش‌ها، کاهش تعامل اجتماعی، کاهش کارکرد خانواده.
۱۱	سبحانی‌نیا	۱۳۹۹	سوق‌دهنده‌های جوانان به سوی همباشی: ارضای موقتی امیال، مشکلات شخصیتی، فردزدگی و تفکرات روشن‌فکرانه در کنار تنهایی، کمبودهای عاطفی در خانواده، لذت‌گرایی به دلیل غلبه نیازهای جنسی و تنوع‌طلبی، حس پیوندجویی و مهرطلبی برای رفع نیازهای عاطفی و احساسی؛ عوامل پنهانی‌بودن این رابطه: تناقض در پذیرش همباشی و محدودیت‌های قانونی؛ پیامدها: تجربه استرس‌های ناشی از غیرقانونی بودن، پنهانی‌بودن، تنزل سلامت جسمی و روانی فرد.
۱۲	زاهدی اصل و همکاران	۱۴۰۰	هشت مضمون اصلی به‌دست‌آمده: احساس برابری جنسیتی و استقلال و آزادی عمل در عرصه تعادل جنسیتی، نگرش منفی به ازدواج، تغییر نگرش به باکرگی و نقش‌های جنسیتی، طرد و انزوای اجتماعی، ترس از افشای رابطه، نبود احساس امنیت در رابطه، نگرانی از بارداری، پرخطر و خشونت‌آمیز بودن رفتارها.
۱۳	چیت‌ساز	۱۴۰۱	همباشی در ایران در میان طبقات متوسط شهری، گروه‌های سنی جوان و تحصیل‌کردگان دانشگاهی رواج یافته است. بررسی داده‌های نگرش‌سنجی حاصل از پیمایش‌های ملی در دهه نود نشان از افزایش موافقت با این پدیده در سطح نگرشی دارد. حداقل با دو سنخ از همباشی در ایران روبه‌رو هستیم: سنخ اول بیشتر در قالب نوعی الگوی روابط پیش از ازدواج قابل‌طبقه‌بندی است و سنخ دوم همباشی به‌عنوان بدیل ازدواج محسوب می‌شود.
۱۴	مطلق و قریشی	۱۴۰۱	عوامل اقتصادی (بیکاری و نداشتن امنیت شغلی، هزینه‌های ازدواج)، عوامل حقوقی و قانونی (مسئولیت در ازدواج و ناعادلانه‌بودن قرارداد ازدواج و مهریه سنگین، ضمانت اجرای حقوقی و عدم مسئولیت در همباشی بین طرفین) و عوامل اجتماعی (تغییرات اجتماعی: نیازهای عاطفی و کم‌رنگ‌شدن باورهای مذهبی و اخلاقی، تعارض‌های نسلی، تضاد فرهنگی، تغییر سبک زندگی و ناهنجاری‌های جنسی)

ب) مطالعات مربوط به نگرش به همباشی

شرایط اقتصادی، شرایط خانوادگی، پابندی به قوانین و آداب‌ورسوم ازدواج، دینداری، شبکه روابط، نیازهای جوانان، فردگرایی، سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت اشتغال، درآمد، منطقه محل سکونت، توجه والدین به نیازهای عاطفی، موافقت والدین در تسهیل روابط دختر و پسر، اختلاف نگرش با والدین درخصوص شیوه انتخاب همسر، صحبت‌کردن والدین پاسخ‌گویان با آنان درخصوص مسائل مذهبی و اخلاقی، کنترل رفتار فرزندان توسط والدین، اعتقاد جوانان به مهریه، اعتقاد جوانان به طلاق، اعتقاد جوانان به مراسم ازدواج، میزان اعتقاد دینی جوانان، اعتقاد به پیامدهای دینداری جوانان، برگزاری مناسک مذهبی جوانان، ارتباط با دوستان و خویشاوندان خارج از کشور، نیازهای جنسی، استقلال‌طلبی جوانان، تجربه‌اندوختن جنسی جوانان، خودمحوری جوانان، سودجویی جوانان، لذت‌گرایی جنسی.

الف) مطالعات مربوط به سبک زندگی همبازی

ردیف	نویسنده	سال	ابعاد و عوامل بررسی شده
۱۶	امیدوار	۱۳۹۸	نزدیک به ۹۷ درصد از پاسخ‌گویان با زندگی دختر و پسر بدون ازدواج مخالف هستند. میزان نگرش مثبت به رابطه همبازی برای مردان بیشتر از زنان، برای جوانان بیشتر از سایر گروه‌های سنی، برای افراد مجرد بیشتر از متأهلین، برای افراد ساکن در شهر بیشتر از روستا و برای افراد محصل و دانشجو بیشتر از سایرین بوده است. همچنین، هرچه سطح تحصیلات بالاتر رفته، نگرش مثبت به رابطه همبازی افزایش یافته است.
۱۷	زمانی و حلاج‌زاده	۱۳۹۸	رشته تحصیلی، پذیرش هم‌بالینی از سوی جامعه، دوستان، فامیل و آشنایان، موافقت خانواده با هم‌بالینی فرد، تصور فرصت شناخت طرفین، ترس از طلاق رسمی و دوری از مسئولیت اقتصادی ازدواج رسمی.
۱۸	صادقی و رضایی	۱۳۹۸	فردگرایی، برابری جنسیتی، عرفی‌شدن، میزان استفاده از رسانه‌های فرامرزی (ماهواره و اینترنت)، پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد.
۱۹	فروتن	۱۳۹۸	متغیرهای جمعیت‌شناختی پایه (سن، وضع تأهل، وضع سکونت و...)، متغیرهای مربوط به مؤلفه‌های دین و دینداری و متغیرهای معطوف به نگرش جنسیتی.
۲۰	حسینی و همکاران	۱۴۰۰	تضاد مذهبی، تعارض فرهنگی، مغایرت قانونی، تقابل هنجاری، غیرعقلانیت، عقلانیت، بازی نقش.
۲۱	رسولی	۱۴۰۰	الف) شرایط اقتصادی (فقر، سرپرست خانوار بودن، حرف مردم، گرایش جنسی، نداشتن سرمایه؛ ب) شرایط اجتماعی و فرهنگی (سن ازدواج بالا، اعتیاد پدر، ترس از حرف مردم و عدم حمایت خانواده؛ ج) شرایط روانی (خیانت به یکدیگر، عدم تعهد در زندگی، اختلالات روحی و روانی، اختلالات جنسی و مشکلات خانوادگی).
۲۲	Wu & Balakrishnan	1992	ویژگی‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی زنان (سن پاسخ‌گو، وضعیت تأهل، محل سکونت روستایی/شهری، سطح تحصیلات، وضعیت نیروی کار، منطقه محل سکونت، مذهب، دینداری و تعداد فرزندان مدنظر)
۲۳	Axinn & Thornton	1993	نگرش والدین و رفتار فرزندان متغیر، پیشینه مادر (سن مادر در هنگام ازدواج، اینکه آیا او بارداری قبل از ازدواج داشته یا نه و تجربه او درباره طلاق و ازدواج مجدد)، تجربه ایجاد پیوند فرزندان، پیشرفت تحصیلی مادر و پیشرفت تحصیلی پدر.
۲۴	Clarkberg & et al.	1995	الگوهای کاری، درآمد، رفتار با پول، استفاده از اوقات فراغت، روابط اجتماعی با خانواده، نقش‌های جنسیتی.
۲۵	Lye & Waldron	1997	مصرف‌گرایی، نگرانی‌های اجتماعی، باورهای سیاسی، محافظه‌کار و دینداری
۲۶	Williams et al.	2007	چهار فرضیه: فرضیه نگرانی‌های اجتماعی، فرضیه ایدئولوژی سیاسی، فرضیه نیازهای مرتبه بالاتر و فرضیه مصرف‌گرایی
۲۷	Gubernskaya	2008	جنسیت، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، خانواده، محل سکونت، مشارکت مذهبی، نگرش‌های آزادانه‌تر به مسائل وضعیت تأهل
۲۸	Willoughby & Carroll	2012	متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، دینداری، نژاد، وضعیت تأهل والدین و جنسیت، تاریخچه هم‌خانگی، نگرش به ازدواج، نگرش‌های جنسی و رفتارهای رابطه‌ای
۲۹	Brown & Wright	2015	هم‌گروهی گروه‌های ۱۰ ساله، جنسیت، نژاد، وضعیت تأهل، تحصیلات، درآمد، حضور مذهبی و داشتن فرزند
۳۰	Shields-Dutton	2016	هم‌گروهی تولد (نسل خاموش، بیبی بومرها، نسل X و کوهوت هزاره)، جنسیت، درآمد، تحصیلات، نژاد و قومیت، ایدئولوژی سیاسی، اقامت منطقه‌ای، متغیرهای شاخص دوره زندگی: جداشده، وجود کنترل بارداری، همیشه بیکار، داشتن فرزند در خانه
۳۱	Landor & Halpern	2016	جنسیت و نژاد و قومیت
۳۲	Kogan & Weißmann	2019	پیشینه مذهبی و دینداری، مشخصه‌های جمعیتی و اجتماعی (سن، جنسیت، منشأ قومی، سابقه مهاجرت و وضعیت اجتماعی-اقتصادی والدین)

الف) مطالعات مربوط به سبک زندگی همبازی			
ردیف	نویسنده	سال	ابعاد و عوامل بررسی شده
۳۳	Addah-Temple et al.	2021	تأثیر همسالان و نوع مؤسسه عالی
ج) مطالعات مربوط به تمایل و گرایش به همبازی			
۳۴	کریمیان و همکاران	۱۳۹۴	آمدگی برای ازدواج و نگرانی از پیامدهای آن، مزایای اقتصادی، نیازهای عاطفی و جنسی، نگرانی از پیامدهای طلاق، کم‌رنگ‌شدن نقش نظارتی و حمایتی خانواده، آزمودن سازگاری و ازدواج آزمایشی
۳۵	افراشته و فرمانفرمایی	۱۳۹۶	تغییرات اقتصادی، رسانه‌های جهانی، تغییرات فرهنگی و تغییرات اجتماعی
۳۶	نصرتی‌نژاد و بهرامی	۱۳۹۶	در سطح کلان: سیاست‌های لیبرالیستی و نئولیبرالیستی، کالایی‌شدن و سیالیت زندگی مدرن؛ در سطح میانه: وضعیت خانوادگی، فرهنگ و دین؛ در سطح خرد: آسودگی خاطر طرفین، عقلانیت اقتصادی، سن، جنسیت و تحصیلات
۳۷	دانش و همکاران	۱۳۹۷	جهانی‌شدن، تغییر ارزش‌های دینی در بین جوانان، تغییرات ساختاری به‌وجودآمده در جامعه و تغییر سبک زندگی شرایط علی: تغییر نگرش جوانان به ازدواج و ارزش‌های خانوادگی، تقدم بلوغ جنسی بر بلوغ اجتماعی، نگرانی از آینده؛ زمینه‌ها و بسترها: زمینه‌های خانوادگی، تجربیات ناموفق با جنس مخالف، ضعف اعتقادات دینی؛ شرایط مداخله‌گر: رسانه و فضای مجازی، عضویت در گروه‌های دوستی دارای تجربه هم‌خانگی؛ توجه‌سازی و مقصرانگاری جامعه و خانواده، ناکارآمد خواندن هنجارهای رسمی و غیررسمی؛ پیامدها: کاهش سرمایه اجتماعی جوانان، تغییر روند عادی زندگی، کاهش تمایل به ازدواج و ازدست‌دادن فرصت‌های ازدواج، سقط‌جنین و بیماری‌های مقاربتی

باتوجه به مرور پیشینه پژوهش بیشتر مطالعات انجام‌شده در حوزه نگرش به همبازی مطالعاتی هستند که در کشورهای توسعه‌یافته و اروپایی انجام شده‌اند و باتوجه به این نکته که ایران کشوری در حال توسعه و آسیایی با مذهب و شرایط و بسترهای متفاوتی است، تعمیم‌یافته‌های این مطالعات به کشور ایران و علاوه بر آن سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری براساس این یافته‌ها مشکل است. همچنین در کشور ما مطالعات مختلفی در حوزه سبک زندگی همبازی انجام شده است؛ اما بیشتر این مطالعات، این پدیده را در سطح منطقه‌ای و با استفاده از روش کیفی و از جنبه‌هایی از قبیل مطالعه تجربه زیسته یا مطالعه چالش‌ها و پیامدهای این نوع سبک زندگی بررسی کرده‌اند و کمتر پژوهشی در سطح ملی و از نظر جمعیت‌شناختی به مطالعه کمی این پدیده و نگرش به آن پرداخته است.

چارچوب نظری

در تبیین تغییرات نگرشی به همبازی نظریه‌های مختلفی در

حوزه جامعه‌شناسی مطرح شده است. براساس نظریه کاشت، رسانه‌های جمعی اثر جدی و کارآمدی بر نگرش‌ها، عقاید یا باورها و قضاوت‌های افراد مصرف‌کننده درباره جهان اجتماعی دارند. این نظریه یکی از شکل‌های تأثیر رسانه‌ها در سطح شناختی است و به این مسئله ربط دارد که در معرض رسانه‌ها قرارگرفتن می‌تواند تا چه اندازه باورها و نگرش‌های همگان درباره واقعیت خارجی را شکل دهد. نظریه کاشت، رسانه‌های جمعی از جمله اینترنت را عامل اجتماعی‌شدن می‌داند. طبق نظر گرینر رسانه‌ها در رایج‌سازی و تثبیت سبک‌های گوناگون زندگی نقش محوری و برجسته دارند. گرینر معتقد است رسانه‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های موجود در فرهنگ را تقویت کرده و این ارزش‌ها را در بین اعضای فرهنگ تبلیغ می‌کنند و رواج می‌دهند و این ارزش‌ها را به هم وصل می‌کنند و بدین طریق رسانه‌ها بر نگرش‌ها و عقاید و افکار عموم درباره واقعیت تأثیر می‌گذارند. طبق نظریه کاشت می‌توان نتیجه گرفت که مدت، میزان و نوع محتوای رسانه‌ها بر فرد اثرگذار است (شمسی، ۱۳۹۵؛ امام‌جمعه‌زاده و همکاران،

۱۳۹۲). «اشاعه روندی است که توسط آن نگرش‌ها و ارزش‌های نوین در بین افراد و گروه‌های اجتماعی بسط پیدا می‌کند.» (Bongaarts & Watkins, 1996). نظریه اشاعه بر ماهیت جدید و ابتکاری نگرش‌ها و اعمال و کنش‌های درحال گسترش تأکید دارد؛ بنابراین، طبق این نظریه‌ها استفاده از رسانه‌ها و وسایل فرهنگی موجب تغییر در درک و فهم افراد از روابطشان می‌شود؛ بنابراین، این پیدایش نگرش‌های جدید موجب تغییر نگرش افراد به ازدواج می‌شود که یکی از انواع روابط بین انسان‌ها است و موجب سست شدن ارزش‌های سنتی نسبت به ازدواج و پیدایش نیازهای مدرن و الگوهای نوین جایگزین ازدواج می‌شود که یکی از آنها سبک زندگی همباشی است.

رویکرد گذار جمعیتی دوم را نخستین بار رون لستهاگه^۱ و ون دکا^۲ مطرح کردند. مقصود و هدف آنها از طرح این نظریه، توجه به تغییر و تحولات متوالی و پی‌درپی باروری، تشکیل خانواده و سبک زندگی همباشی است که از سال‌های اواخر دهه ۱۹۶۰ در بیشتر کشورهای شمال و غرب اروپا آغاز شده بود (Lesthaeghe, 2014 & 2020). یکی از اصلی‌ترین اثرات جمعیتی این دگرگونی در کشورهای ثروتمندتر، نزول باروری به سطح پایین‌تر از جانشینی است؛ اما طبق نظر ون دکا این دگرگونی بیشتر ناشی از آزادی و استقلالی است که افراد (به‌خصوص زنان) کسب می‌کنند تا آنچه که تمایل دارند انجام دهند؛ به همین دلیل به جای الگوی بزرگ‌شدن، ازدواج و فرزندآوری، این گذار با تأخیر در ازدواج، افزایش زندگی مجردی، زندگی مشترک و سکونت طولانی‌تر در خانواده همراه بوده است؛ علاوه بر این، سیر صعودی از هم‌گسختگی در ارتباطات خانوادگی موجب افزایش نرخ طلاق و جدایی بین همسران شده و تجدید ساختار خانواده از سمت ازدواج دوباره به زندگی مشترک بدون ازدواج رفته است. براساس این تئوری خانواده و روابط زناشویی در عصر معاصر به‌خصوص در جوامع صنعتی دچار تغییرات اساسی شده

است. پدیده‌هایی نظیر تغییر در الگوی باروری و فرزندآوری، سیر صعودی طلاق، تغییر در شکل و الگوی ازدواج (تجرد قطعی و سبک زندگی همباشی) نتایج تغییر و تحولات خانواده باتوجه به رویکرد گذار جمعیتی دوم به شمار می‌آیند. این نظریه به اثرات یکنواخت عوامل اقتصادی و اجتماعی (به‌خصوص کاهش کنترل هنجاری و رشد استقلال اقتصادی زنان)، فرهنگی و تکنولوژی و ارتباطات نوین بر تحولات رخ داده در الگوی ازدواج و گسترش سبک زندگی همباشی اشاره دارد. ترکیب عوامل مذکور با همدیگر، موجب جهت‌گیری نگرش‌ها، علایق و انتخاب‌های افراد به‌سوی فردگرایی و استقلال شده است و به تبع تغییر و تحول در الگوی ازدواج را به دنبال دارند (Lesthaeghe, 2014 & 2020). براساس نظریه گذار جمعیتی دوم، رشد صعودی استقلال فردی در حیطه‌های مذهبی، اخلاقی و سیاسی دارای نقش محوری و برجسته‌ای در تغییر و تحولات رخ داده در شکل‌گیری و ایجاد خانواده است. سیر نزولی ازدواج و گسترش الگوهای جایگزین از جمله سبک زندگی همباشی را می‌توان مظهر نگرش ناهماهنگ و ناسازگار و اعلام مخالفت به منابع اقتدار و علاوه بر آن روشی در جهت ابراز آزادی و استقلال فردی در برابر قراردادهای سنت و قانون تلقی کرد (حبیب‌پور گتایی و غفاری، ۱۳۹۰؛ Rosina & Fraboni, 2004).

طبق نظریه تغییرات فرهنگی-ارزشی اینگلهارت^۳ هنگامی که جامعه‌ای صنعتی می‌شود، در امان ماندن از تغییرات ارزشی و فرهنگی در این راه اجتناب‌ناپذیر است؛ تغییر و تحولاتی مانند دگرگونی خانواده، کم‌شدن باروری، افزایش امید زندگی، افزایش مشارکت سیاسی و سست شدن باورها و عقاید مذهبی و کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و هنجارهای سنتی (حقیقتیان و دارابی، ۱۳۹۴). طبق نظریه وی در جوامع سنتی با نوعی تغییرات ارزشی اساسی روبه‌رو هستیم (امیدوار، ۱۳۹۸). گذار از جامعه ماقبل صنعتی به جامعه صنعتی تحولاتی را در تجربیات و نگرش‌های افراد ایجاد می‌کند و تشکیل جامعه فراصنعتی،

¹ Ron Lesthaeghe

² Van de Kaa

³ Inglehart

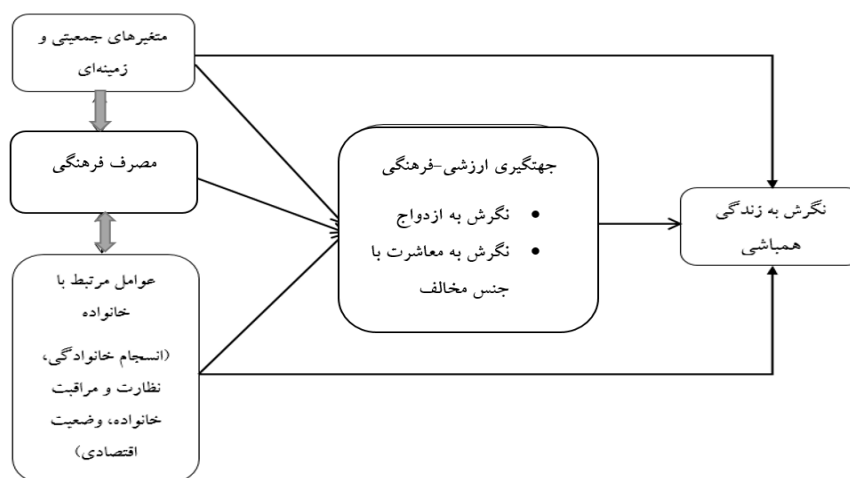
ایجاد نشود باید فرایند جامعه‌پذیری در مراحل گوناگون توسط خانواده، دوستان و رسانه‌های گروهی کنترل شود (شمسی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین، براین اساس می‌توان تبیین کرد که کاهش مراقبت و نظارت والدین بر فرزندان موجب پیدایش سبک زندگی همبازی می‌شود.

پژوهش حاضر برای بررسی نگرش جوانان به سبک زندگی همبازی، از ترکیبی از نظریه‌های مذکور بهره گرفته است. نظریه گذار جمعیتی دوم تأکید دارد که افزایش فردگرایی، سکولاریسم، و برابری‌گرایی جنسیتی به گسترش الگوهای جدید زندگی خانوادگی مانند همبازی منجر شده است. براساس نظریه تغییرات فرهنگی-ارزشی اینگلهارت، تغییرات اقتصادی و فرهنگی باعث کاهش پایبندی به ارزش‌های سنتی و افزایش پذیرش ارزش‌های مدرن می‌شود. نگرش افراد به ازدواج، روابط دوستی پیش از ازدواج و سبک زندگی همبازی به‌طور مستقیم متأثر از تغییرات فرهنگی-ارزشی قرار دارد. براساس نظریه کنترل اجتماعی، نظارت و انسجام اجتماعی و خانوادگی نقش مهمی در کنترل رفتارهای فردی دارد. کاهش نظارت خانواده و ضعف انسجام خانوادگی می‌تواند پذیرش رفتارهای غیرسنتی ازجمله همبازی را افزایش دهد؛ درنهایت، براساس نظریات کاشت و اشاعه رسانه‌ها و مصرف کالاها، فرهنگ‌های فرهنگی در تغییر نگرش‌ها و رفتارها نقش زیادی دارند. رسانه‌ها از طریق ترویج الگوهای زندگی مدرن بر نگرش افراد به روابط پیش از ازدواج و سبک زندگی همبازی تأثیر می‌گذارند.

بنابراین، براساس نظریات مذکور مدل نظری پژوهش به‌صورت شکل ۱ ترسیم شده است. هرکدام از متغیرهای مستقل به‌صورت مستقیم بر نگرش به همبازی اثر می‌گذارند. همچنین این متغیرها در ارتباط با یکدیگر و به‌صورت غیرمستقیم و از طریق اثرگذاری بر متغیر جهت‌گیری ارزشی-فرهنگی بر نگرش به سبک زندگی همبازی اثرگذار هستند.

ظهور باروها و نگرش‌های جهانی و توجه به خرد ابزاری و کم‌رنگ شدن ارزش‌های صنعتی را تحریک می‌کند (حقیقتیان و دارابی، ۱۳۹۴). طبق نظر اینگلهارت و ولزل در هر جامعه‌ای زمانی که سطح تحصیلات افزایش می‌یابد، تضعیف و افول عقاید و باورهای دینی و سنتی در برابر عقاید و باورهای عقلانی و سکولار اجتناب‌ناپذیر است (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۹۴)؛ بدین‌گونه گزاره‌های دینی در کشف حقیقت و تبیین پدیده‌های جهان هیچ نقش عمده‌ای نداشته‌اند؛ بنابراین، توان کمک به درک انسان از هستی و پدیده‌های آن را ندارند و به‌تبع آن در کنترل انسان بر پدیده‌ها هم اثر و نقش عمده‌ای ندارند (حقیقتیان و دارابی، ۱۳۹۴)؛ بنابراین، طبق نظر اینگلهارت این فرایند و جریان موجب تغییر در نگرش افراد جامعه به ازدواج می‌شود و نگرش آنها به مسائلی همچون رابطه دوستی دختر و پسر، سبک زندگی همبازی، طلاق، سقط جنین و... آزادانه‌تر است.

نظریه کنترل اجتماعی بر این تأکید دارد که «کژرفتاری نتیجه کنترل اجتماعی» است. کنترل اجتماعی دربرگیرنده روش‌ها، سیاست‌ها و ابزارهایی است که جامعه به‌منظور واداشتن مردمش به هماهنگی و پرهیز و پیشگیری از ناهماهنگی و تناقض استفاده می‌کند؛ چون زندگی به‌طورکلی مملو از فتنه، نیرنگ و وسوسه است. مردم فقط به دلیل اینکه جامعه می‌تواند رفتارشان را کنترل کند، با هنجارهای اجتماعی هم‌نوا هستند (ستوده، ۱۳۸۰). از نظر دورکیم اگر کنترل اجتماعی در جامعه سخت و سنگین باشد، ممکن است اعضای آن با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هماهنگ شوند؛ اما اگر کنترل اجتماعی در جامعه سست و ضعیف باشد، احتمالاً مردم به سمت «کژرفتاری» و آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی جذب می‌شوند (ستوده، ۱۳۸۰). طبق این تئوری، نگرش به سبک زندگی همبازی و رابطه با جنس مخالف در خارج از چارچوب ازدواج به‌مثابه یک رفتار غیرعادی و خلاف عرف شناخته می‌شود و به دلیل اینکه این‌چنین گرایشی در افراد



شکل ۱- مدل نظری-تحلیلی تحقیق
Graph 1- Analytical framework of the study

روش و داده‌ها

مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل ثانویه است. داده‌های استفاده‌شده در این پژوهش، پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان کشور است که در سال ۱۳۹۹ به سفارش مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان، توسط ایسپا در سطح مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور گردآوری شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این پیمایش پرسش‌نامه بوده است که به روش مصاحبه حضوری تکمیل شده است. داده‌ها در سطح فردی و جامعه آماری جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال شهری و روستایی است که در ۳۱ استان کشور ایران سکونت داشته‌اند. حجم نمونه آماری برابر با ۱۱۵۷۳ نفر است. حجم نمونه در هر استان به صورت سهمیه‌ای و طبق جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت ۱۸ تا ۳۵ سال در سرشماری سال ۱۳۹۵ بوده است. از شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای برای انتخاب نمونه استفاده شده است. پرسشگران پس از مراجعه به معابر و میداين منتخب اقدام به تکمیل پرسش‌نامه کردند. نحوه انتخاب افراد به گونه‌ای بود که افراد از گروه‌های سنی و جنسی در نمونه‌ها حضور داشته باشند.

متغیرهای پژوهش شامل دو دسته متغیرهای مستقل و

وابسته است. متغیر وابسته، نگرش به همباشی است که به منظور عملیاتی کردن آن از سؤال «تا چه اندازه با زندگی دختر و پسر بدون ازدواج رسمی موافقت می‌کنید؟» استفاده شده است و گزینه‌های پاسخی در طیف لیکرت و به صورت کاملاً موافق، موافق، نه مخالف نه موافق، مخالف و کاملاً مخالف بوده است. متغیرهای مستقل اصلی، شامل متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای (نظیر جنسیت، سن، وضع تأهل، سطح تحصیلات، وضع اشتغال، قومیت، مذهب و محل سکونت)؛ عوامل مرتبط با خانواده (شامل وضعیت اقتصادی خانوار، نظارت و مراقبت خانواده و شاخص انسجام خانواده ساخته شده از سه گویه شامل روابط بین اعضای خانواده، رضایت از زندگی خانوادگی و تعارض و ناسازگاری با والدین)، نگرش به ازدواج و معاشرت با جنس مخالف و شاخص مصرف فرهنگی است. شاخص نگرش به ازدواج با استفاده از شش گویه شامل «نگرش به تأثیر پایبندی به سنت‌های ازدواج، نگرش به تأثیر اشتغال و استقلال مالی زنان بر بالا رفتن سن ازدواج، نگرش به ازدواج موقت، تجردگرایی، نگرش به انتخاب همسر از طریق اینترنت و فضای مجازی و نگرش به مراکز معتبر همسریابی نیز به عنوان متغیر مستقل استفاده شد. این گویه‌ها روی دو عامل نوع نگرش به فرایند همسریابی و

بررسی شده است و درنهایت، تأثیر متغیرهای مستقل بر نگرش به همبازی با تحلیل چندمتغیره آزمون می‌شود.

توصیف متغیرها

ویژگی‌های جمعیتی نمونه

براساس نتایج جدول ۲ ترکیب جنسی نمونه تقریباً به‌صورت برابر (حدود ۵۱ درصد مردان و ۴۹ درصد زنان) است. بیشتر پاسخ‌گویان در بازه سنی ۳۰-۳۵ سال قرار دارند و میانگین سنی آنها حدود ۲۷ سال است. به‌لحاظ وضعیت تأهل، پاسخ‌گویان متأهل دارای بیشترین فراوانی (۵۲ درصد) هستند. بیشتر پاسخ‌گویان تحصیلات دانشگاهی دارند. بیشتر پاسخ‌گویان (حدود ۵۳ درصد) غیرشاغل بوده‌اند. از لحاظ مذهب بیشتر نمونه بررسی‌شده (۸۹ درصد)، مسلمان شیعه بوده‌اند. از نظر قومیت نیز بیشتر پاسخ‌گویان را قومیت فارس (۴۲ درصد) تشکیل داده بودند. ۷۴ درصد پاسخ‌گویان ساکن شهر هستند. همچنین، یافته‌ها نشان داد میزان مصرف فرهنگی ۱۷ درصد از پاسخ‌گویان کم، ۵۱ درصد در حد متوسط و ۳۲ درصد زیاد بوده است.

نوع نگرش به ازدواج و پایداری آن با آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۵۹ ساخته شد. متغیر نگرش به رابطه دوستی دختر و پسر نیز شامل گویه «میزان موافقت با دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج در شناخت طرفین» است. شاخص مصرف فرهنگی از یازده گویه شامل استفاده از اینترنت، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی مجازی، گوش دادن به موسیقی، انجام یا یادگیری کارهای هنری، خواندن کتاب، روزنامه و مجله، تماشای فیلم و سریال از طریق سایت‌های اینترنت (فیلمو، فیلمنت، نماوا و...)، رفتن به سینما و تئاتر، بازی‌های کامپیوتری، رفتن به کنسرت موسیقی، تماشای مسابقات (والیبال، تنیس، فوتبال و...) در مجموعه‌ها و استادیوم‌های ورزش با مقدار آلفای کرونباخ ۰/۷۸ ساخته شد.

برنامه نرم‌افزار آماری استفاده‌شده در این مطالعه ورژن ۲۳ نرم‌افزار SPSS است. در بخش توصیفی داده‌ها از توزیع فراوانی و درصدی استفاده می‌شود و در قسمت تحلیل دومتغیره برای آزمون وجود رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از آزمون کای اسکور و برای شدت اثرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته برای متغیرهای اسمی از آزمون وی کرامرز و برای متغیرهای ترتیبی از آزمون کندال استفاده شده است. در تحلیل چندمتغیره نیز از آزمون رگرسیون لجستیک رتبه‌ای^۱ استفاده شده است. با توجه به اینکه متغیر وابسته پژوهش، نگرش به همبازی، در سطح سنجش ترتیبی اندازه‌گیری شده است، بنابراین برای بررسی نحوه تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از این آزمون استفاده شده است. با انجام رگرسیون رتبه‌ای می‌توان تعیین کرد که کدام یک از متغیرهای مستقل تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارند.

یافته‌ها

در این قسمت ابتدا ویژگی‌های نمونه بررسی‌شده معرفی و سپس با استفاده از تحلیل‌های دومتغیره روابط بین متغیرها

^۱ Ordinal Logistic Regression

جدول ۲- توزیع پاسخ‌گویان برحسب متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای

Table 2- Distribution of demographic and contextual characteristics of respondents

درصد	فراوانی		
۵۰/۷	۵۸۶۶	مرد	جنس
۴۹/۳	۵۷۰۷	زن	
۲۷/۷	۳۲۰۰	۱۸-۲۳ سال	سن
۳۳/۶	۳۸۸۷	۲۴-۲۹ سال	
۳۸/۸	۴۴۸۶	۳۰-۳۵ سال	
	۲۷/۴	میانگین سنی (سال)	
	۲۸	میانه سنی (سال)	وضعیت تأهل
۴۳/۱	۵۳۴۰	مجرد	
۵۲/۲	۶۰۴۱	متأهل	
۱/۶	۱۹۰	بدون همسر بر اثر طلاق یا فوت همسر	
۶/۰	۶۹۳	بی‌سواد / ابتدایی	سطح تحصیلات
۴۶/۲	۵۳۴۱	متوسطه و دیپلم	
۴۷/۸	۵۵۲۶	دانشگاهی	
۴۶/۷	۵۴۰۱	شاغل	وضعیت اشتغال
۵۳/۴	۶۱۷۲	غیر شاغل	
۴۱/۹	۴۸۴۸	فارس	
۲۱/۲	۲۴۵۰	ترک	
۱۱/۲	۱۲۹۶	لر	قومیت
۱۰/۰	۱۱۵۸	کرد	
۲/۱	۲۴۲	عرب	
۳/۲	۳۷۲	گیلک	
۳/۹	۴۴۶	مازنی	مذهب
۴/۰	۴۵۸	بلوچ	
۱/۰	۱۱۶	ترکمن	
۱/۶	۱۸۷	سایر اقوام	
۸۹/۴	۱۰۳۴۴	مسلمان-شیعه	مذهب
۹/۰	۱۰۴۶	مسلمان-اهل سنت	
۱/۶	۱۸۴	غیرمسلمان	
۷۴/۱	۸۵۷۰	شهر	محل سکونت
۲۵/۹	۳۰۰۳	روستا	
۱۷/۱	۱۹۷۹	کم	میزان مصرف فرهنگی
۵۰/۵	۵۸۴۴	متوسط	
۳۲/۴	۳۷۵۰	زیاد	تعداد نمونه
۱۰۰	۱۱۵۷۳		

نظارت و انسجام خانوادگی

همان‌گونه که در جدول ۳ نمایان است ۳۴/۵ درصد از پاسخ‌گویان دارای انسجام خانوادگی زیاد بوده‌اند، ۵۲/۳ درصد از میزان انسجام خانوادگی متوسطی برخوردار بوده‌اند و فقط ۱۳ درصد از آنها میزان انسجام خانوادگی کمی داشته‌اند.

همچنین نتایج نشان داد که میزان نظارت و مراقبت خانواده‌ها بر جوانان در بیش از نیمی از پاسخ‌گویان در سطح زیاد است. در رابطه با وضعیت اقتصادی خانواده پاسخ‌گویان که براساس میزان هزینه سرانه ماهیانه خانوار به دست آمد، بیشتر پاسخ‌گویان در وضعیت متوسط قرار گرفته‌اند.

جدول ۳- وضعیت اقتصادی و میزان انسجام و نظارت خانواده در میان پاسخ‌گویان

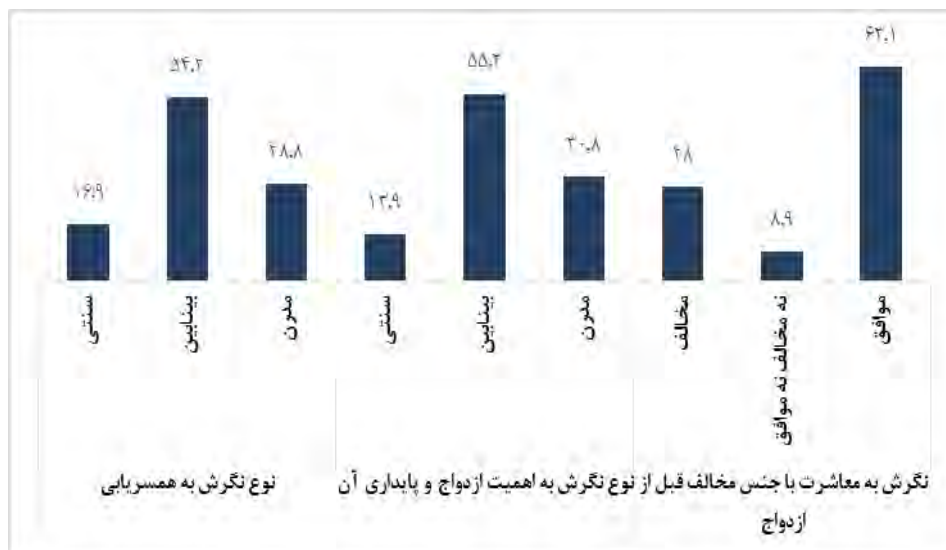
Table 3- Economic status and family cohesion among respondents (%)

حجم نمونه	زیاد	متوسط	کم	
۱۱۵۷۳	۳۴/۵	۵۲/۳	۱۳/۲	میزان انسجام خانوادگی
۱۱۵۲۷	۲۹/۷	۱۸/۶	۵۱/۷	میزان نظارت و مراقبت خانواده
۱۱۵۷۳	ضعیف	متوسط	مرفه	وضعیت اقتصادی خانوار
	۳۸/۵	۵۶/۹	۴/۶	

نگرش به ازدواج و معاشرت با جنس مخالف

براساس نتایج نمودار ۱، ۱۷ درصد از پاسخ‌گویان نگرش سستی، ۵۴ درصد نگرش بینابین و ۲۹ درصد نگرشی مدرن به فرایند همسرپایی داشته‌اند. همچنین حدود ۳۱ درصد از پاسخ‌گویان نگرشی مدرن، ۵۵ درصد نگرش بینابین و

۱۴ درصد نگرش سستی به ازدواج و پایداری آن داشته‌اند. طبق یافته‌های نمودار ۱ حدود ۶۳ درصد پاسخ‌گویان دارای نگرش موافق به رابطه دوستی دختر و پسر هستند، حدود ۲۸ درصد مخالف این نوع رابطه هستند.



نمودار ۱- نوع نگرش پاسخ‌گویان به معاشرت با جنس مخالف، فرایند همسرپایی، ازدواج و پایداری آن (%)

Fig 1- Respondents' attitudes towards interacting with the opposite sex, the process of finding a spouse, the importance of marriage and its stability (%)

نگرش به همباشی

به همباشی هستند؛ با این حال، حدود ۱۵ درصد پاسخ‌گویان با سبک زندگی همباشی موافق هستند.

ارزیابی پاسخ‌گویان از نگرش به همباشی در نمودار ۲ ارائه شده است. در مجموع بیشتر پاسخ‌گویان دارای نگرشی مخالف



نمودار ۲- نوع نگرش به همباشی در میان جوانان بررسی شده (%)

Fig 2- Attitudes towards cohabitation among young adults (%)

نتایج تحلیل دومتغیره

به این معنا که با افزایش سطح تحصیلات افراد، نگرش به همباشی نیز موافق‌تر شده است. شاغل‌ها در مقایسه با غیرشاغل‌ها نگرش مثبت‌تری به همباشی داشته‌اند. در میان قومیت‌های مختلف، فارس‌ها نگرش موافق‌تری به همباشی داشته‌اند. همچنین مسلمانان شیعه در مقایسه با اهل سنت، و ساکنان شهر در مقایسه با روستائیان دارای نگرش موافق‌تری به همباشی بوده‌اند؛ در نهایت، نتایج نشان داد که میزان مصرف کالاهای فرهنگی رابطه معنادار و مثبتی با نگرش به همباشی دارد؛ به این معنی که با افزایش میزان مصرف کالاهای فرهنگی، نگرش به سبک زندگی همباشی نیز موافق‌تر می‌شود.

در جدول ۴ نگرش به سبک زندگی همباشی براساس متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای آورده شده است؛ بدین ترتیب متغیرهای جنسیت، سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، قومیت، مذهب و محل سکونت رابطه معناداری با نگرش به سبک زندگی همباشی داشته‌اند. مردان در مقایسه با زنان نگرش موافق‌تری به همباشی داشته‌اند. سن با نگرش به همباشی دارای رابطه منفی بوده است؛ به‌طوری‌که با افزایش سن، نگرش به سبک زندگی همباشی مخالف‌تر می‌شود. مجردها در مقایسه با متأهل‌ها و بدون همسرها دارای نگرش موافق‌تری به سبک زندگی همباشی هستند. سطح تحصیلات دارای رابطه مثبت با نگرش به همباشی بوده است؛

جدول ۴- روابط دومتغیره عوامل جمعیتی و زمینه‌ای با نوع نگرش به همباشی

Table 4- Bivariate analysis of the relationships between demographic-contextual factors and attitudes towards cohabitation

نوع نگرش به همباشی (%)					
مقدار آزمون و سطح معناداری	تعداد نمونه	مخالف	بینابین	موافق	
$X^2= 153.738$ Cramer's $v= 0.115$ Sig= 0.001	۵۸۶۵	۷۵/۶	۵/۹	۱۸/۴	مرد
	۵۷۰۷	۸۴/۳	۵/۱	۱۰/۶	زن
$X^2= 129.813$ Kendall's Tau-b= - 0.95 Sig= 0.001	۳۲۰۰	۷۳/۷	۶/۷	۱۹/۶	سال ۲۳-۱۸
	۳۸۸۸	۸۰/۱	۵/۸	۱۴/۰	سال ۲۹-۲۴
	۴۴۸۶	۸۴/۱	۴/۴	۱۱/۴	سال ۳۵-۳۰
$X^2= 385.613$ Cramer's $v= 0.129$ Sig= 0.001	۵۳۳۹	۷۲/۳	۷/۱	۲۰/۶	مجرد
	۶۰۴۲	۸۶/۹	۴/۱	۹/۱	متاهل
	۱۸۹	۷۴/۶	۷/۴	۱۸/۰	بیوه/مطلقه
$X^2= 139.956$ Kendall's Tau-b= 0.110 Sig= 0.001	۶۹۲	۸۸/۳	۳/۲	۸/۵	بی‌سواد/ ابتدایی
	۵۳۴۱	۸۳/۴	۴/۴	۱۲/۲	متوسطه و دیپلم
	۵۵۲۷	۷۵/۵	۶/۹	۱۷/۶	دانشگاهی
$X^2= 19.795$ Cramer's $v= 0.41$ Sig= 0.001	۵۴۰۱	۷۸/۲	۵/۹	۱۶/۰	شاغل
	۶۱۷۲	۸۱/۴	۵/۳	۱۳/۳	غیرشاغل
	۴۸۴۷	۷۷/۵	۵/۸	۱۶/۷	فارس
$X^2= 77.968$ Cramer's $v= 0.58$ Sig= 0.001	۲۴۵۰	۸۰/۱	۵/۳	۱۴/۶	ترک
	۱۲۹۵	۸۳/۲	۴/۹	۱۲/۰	لر
	۱۱۵۸	۸۱/۹	۵/۴	۱۲/۸	کرد
	۲۴۲	۸۲/۶	۵/۰	۱۲/۴	عرب
	۳۷۲	۸۰/۶	۷/۰	۱۲/۴	گیلک
	۴۴۴۵	۸۰/۲	۶/۵	۱۳/۳	مازنی
	۴۵۸	۸۸/۴	۲/۶	۹/۰	بلوچ
$X^2= 190.363$ Cramer's $v= 0.91$ Sig= 0.001	۱۱۶	۹۱/۴	۴/۳	۴/۳	ترکمن
	۱۸۷	۷۲/۷	۱۰/۲	۱۷/۱	سایر
	۱۰۳۴۳	۷۹/۹	۵/۵	۱۴/۶	شیعه
	۱۰۴۵	۸۶/۵	۵/۱	۸/۴	اهل سنت
	۱۸۴	۴۴/۰	۱۰/۹	۴۵/۱	غیرمسلمان
	۸۵۷۰	۷۷/۱	۶/۳	۱۶/۶	شهری
	۳۰۰۳	۸۷/۹	۳/۴	۸/۷	روستایی
$X^2= 461.364$ Kendall's Tau-b = 0.182 Sig= 0.001	۱۹۷۹	۸۴/۹	۵/۲	۹/۹	کم
	۵۸۴۴	۷۷/۹	۶/۱	۱۶/۰	متوسط
	۳۷۵۰	۷۱/۱	۶/۴	۲۲/۵	زیاد

متغیرهای میزان انسجام خانواده، میزان نظارت و مراقبت خانواده و وضعیت اقتصادی خانوار با نگرش به همباشی

در جدول ۵ نگرش به همباشی برحسب عوامل مرتبط با خانواده و ازدواج آورده شده است. همان‌طور که نمایان است،

دارای رابطه معناداری است. میزان انسجام خانواده و میزان نظارت و مراقبت خانواده با نگرش به همباشی دارای رابطه منفی بوده است؛ به این صورت که پاسخ‌گویان در خانواده‌هایی با انسجام و میزان نظارت و مراقبت بالا نگرش مخالف‌تری به همباشی داشته‌اند؛ اما در مقابل، وضعیت اقتصادی خانوار نیز دارای رابطه مثبت با نگرش به همباشی بوده است؛ به این معنا که نگرش به همباشی در پاسخ‌گوییانی که دارای وضعیت اقتصادی بالا هستند، از موافقت بیشتری برخوردار بوده است. همچنین، نتایج بیانگر آن است که پاسخ‌گوییانی که نگرش

سستی به فرایند همسریابی و ازدواج و پایداری آن داشته‌اند، نگرش مخالفی نیز به همباشی داشته‌اند و پاسخ‌گوییانی که نگرش مدرن به فرایند همسریابی، ازدواج و پایداری آن داشته‌اند، نگرشی موافق به همباشی داشته‌اند؛ علاوه بر اینها، نگرش به رابطه دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج رابطه معناداری با نگرش به سبک زندگی همباشی دارد و پاسخ‌گوییانی که نگرشی موافق با رابطه دوستی دختر و پسر دارند، نگرش مثبت‌تری به همباشی دارند.

جدول ۵- روابط دومتغیره عوامل خانوادگی و نگرش به الگوهای ازدواج با نوع نگرش به همباشی

Table 5- Bivariate analysis of the relationships between family factors and attitudes towards cohabitation

مقدار آزمون و سطح معناداری	تعداد نمونه	نوع نگرش به همباشی (%)			
		مخالف	بینابین	موافق	
X ² = 204.616 Kendall's Tau-b= -0.97 Sig= 0.001	۱۵۳۱	۶۸/۲	۶/۱	۲۵/۷	کم
	۶۰۵۱	۸۰/۴	۶/۲	۱۳/۵	متوسط
	۳۹۹۲	۸۳/۷	۴/۴	۱۱/۹	زیاد
X ² = 187.086 Kendall's Tau-b= -0.81 Sig= 0.001	۳۴۱۹	۷۵/۹	۵/۱	۱۹/۰	کم
	۲۱۴۵	۷۶/۱	۹/۸	۱۴/۰	متوسط
	۵۹۶۲	۸۳/۷	۴/۱	۱۲/۲	زیاد
X ² = 237.166 Kendall's Tau-b= 0.122 Sig= 0.001	۴۴۵۶	۸۵/۵	۴/۵	۱۰/۰	ضعیف
	۶۵۸۵	۷۷/۶	۶/۱	۱۶/۳	متوسط
	۵۳۲	۶۱/۵	۷/۷	۳۰/۸	مرفه
X ² = 595.843 Kendall's Tau-b = 0.196 Sig= 0.001	۱۹۵۵	۸۸/۵	۴/۰	۷/۵	سستی
	۶۲۸۹	۸۴/۶	۴/۵	۱۰/۸	بینابین
	۳۳۲۹	۶۶/۰	۸/۳	۲۵/۷	مدرن
X ² = 494.831 Kendall's Tau-b = 0.187 Sig= 0.001	۱۶۱۴	۹۰/۱	۳/۴	۶/۴	سستی
	۶۳۹۶	۸۳/۷	۵/۳	۱۱/۰	بینابین
	۳۵۶۴	۶۸/۴	۷/۰	۲۴/۶	مدرن
X ² = 579.523 Kendall's Tau-b = 0.204 Sig= 0.001	۳۲۴۵	۹۲/۸	۲/۱	۵/۱	مخالف
	۱۰۲۸	۸۳/۵	۹/۰	۷/۵	بینابین
	۷۳۰۱	۷۳/۷	۶/۶	۱۹/۷	موافق

نتایج تحلیل چندمتغیره

به منظور بررسی عوامل مؤثر بر نگرش به همباشی از آزمون رگرسیون لجستیک رتبه‌ای استفاده کردیم که نتایج آن

در جدول ۶ ارائه شده است؛ براین اساس، از نظر جنسیت، مردان در مقایسه با زنان ۴۰ درصد احتمال نگرش مثبت‌تری به همباشی دارند. سن با نگرش به همباشی دارای رابطه

ترک‌ها ۲۳ درصد، لر‌ها ۱۵ درصد، کردها ۱۵ درصد و گیلک‌ها ۲۳ درصد در مقایسه با فارس‌ها نگرش کمتر موافقی به همباشی دارند. از نظر مذهب، افراد شیعه ۷۲ درصد در مقایسه با غیرمسلمانان نگرش کمتر موافقی به همباشی داشته‌اند و افراد شیعه در مقایسه با اهل سنت ۷۱ درصد نگرش موافق‌تری به همباشی داشته‌اند. همچنین از نظر محل سکونت ساکنان شهری در مقایسه با روستاییان ۱۸ درصد نگرش مثبت‌تری به همباشی داشته‌اند.

معناداری است؛ بدین صورت که پاسخ‌گویان ۱۸ تا ۲۳ ساله ۲۱ درصد در مقایسه با افراد ۳۰ تا ۳۵ ساله احتمال نگرش موافق‌تری به همباشی دارند. البته برای گروه سنی ۲۴ تا ۲۹ سال این رابطه معنادار نیست. در میان وضعیت‌های مختلف زناشویی، مجردها ۲۶ درصد و افراد بدون همسر ۶۱ درصد بیشتر در مقایسه با افراد متأهل نگرش موافقی به همباشی دارند. تحصیلات تأثیر معناداری بر نگرش به همباشی نداشت. از نظر وضعیت اشتغال، افراد شاغل ۹ درصد در مقایسه با افراد غیرشاغل موافقت کمتری با همباشی دارند. در میان قومیت‌ها

جدول ۶- نتایج رگرسیون لجستیک رتبه‌ای عوامل مؤثر بر نگرش به سبک زندگی همباشی

Table 6- The results of Ordinal logistic regression on the factors influencing attitudes towards cohabitation

Sig	Wald	EXP	متغیرهای مستقل	
			زن (R)	
۰/۰۰۱	۶۲/۷۳۱	۱/۴۰	جنس	مرد
			سن	۳۰-۳۵ سال (R)
۰/۰۰۱	۱۱/۴۴۵	۱/۲۱	سن	۱۸-۲۳ سال
۰/۱۱۰	۲/۵۵۲	۱/۰۸	سن	۲۴-۲۹ سال
			وضعیت تأهل	متأهل (R)
۰/۰۰۱	۲۶/۸۲۴	۱/۲۶	وضعیت تأهل	مجرد (هرگز ازدواج نکرده)
۰/۰۰۱	۱۰/۹۸۸	۱/۶۱	وضعیت تأهل	بدون همسر
			سطح تحصیلات	بی‌سواد/ابتدایی (R)
۰/۲۳۷	۱/۳۹۷	۰/۹۰	سطح تحصیلات	متوسطه و دیپلم
۰/۲۶۴	۱/۲۵۰	۰/۹۱	سطح تحصیلات	دانشگاهی
			وضعیت اشتغال	غیرشاغل (R)
۰/۰۳۲	۴/۶۰۶	۰/۹۱	وضعیت اشتغال	شاغل
			قومیت	فارس (R)
۰/۰۰۱	۲۸/۵۸۲	۰/۷۷	قومیت	ترک
۰/۰۱۲	۶/۳۷۹	۰/۸۵	قومیت	لر
۰/۰۲۱	۵/۳۵۱	۰/۸۵	قومیت	کرد
۰/۲۵۳	۱/۳۰۷	۱/۱۶	قومیت	عرب
۰/۰۱۶	۵/۸۰۸	۰/۷۷	قومیت	گیلک
۰/۱۵۲	۲/۰۵۰	۰/۸۷	قومیت	مازنی
۰/۷۳۴	۰/۱۱۶	۱/۰۴	قومیت	بلوچ
۰/۸۳۱	۰/۰۴۵	۱/۰۴	قومیت	ترکمن
۰/۴۳۲	۰/۶۱۷	۰/۸۹	قومیت	سایر
			مذهب	غیرمسلمان (R)
۰/۰۰۱	۷۷/۴۳۹	۰/۲۸	مذهب	مسلمان-شیعه
۰/۰۰۱	۶۱/۱۸۳	۰/۲۹	مذهب	مسلمان-اهل سنت

Sig	Wald	EXP	متغیرهای مستقل
			روستایی (R)
۰/۰۰۱	۱۲/۷۳۵	۱/۱۸	محل سکونت شهری
			کم (R)
۰/۲۸۷	۱/۱۵۸	۱/۰۹	میزان مصرف کالاهای فرهنگی متوسط
۰/۰۰۱	۳۸/۷۲۵	۱/۴۳	زیاد
			کم (R)
۰/۰۰۹	۶/۸۱۲	۰/۸۶	میزان انسجام خانواده متوسط
۰/۰۰۱	۵۳/۲۶۲	۰/۶۴	زیاد
			کم (R)
۰/۹۱۸	۰/۰۱۱	۰/۹۹	میزان نظارت و مراقبت خانواده متوسط
۰/۰۲۵	۵/۰۳۶	۰/۹۱	زیاد
			ضعیف (R)
۰/۰۰۱	۱۵/۶۸۷	۱/۱۸	وضعیت اقتصادی متوسط
۰/۰۰۱	۳۴/۰۲۴	۱/۷۲	مرفه
			سستی (R)
۰/۰۰۱	۱۰۴۳/۹۱۹	۶/۹۹	نوع نگرش به فرایند همسریابی بینابین
۰/۰۰۱	۱۶۱۷/۲۲۴	۱۴/۹۴	مدرن
			سستی (R)
۰/۰۰۱	۱۴۲/۵۷۵	۲/۰۰	نوع نگرش به ازدواج و بینابین
۰/۰۰۱	۳۶۴/۴۱۹	۳/۳۷	پایداری آن مدرن
			مخالف (R)
۰/۰۱۷	۵/۷۳۴	۱/۱۹	نگرش به معاشرت بینابین
۰/۰۰۱	۲۰۰/۶۷۹	۱/۹۰	دختر و پسر قبل از ازدواج موافق
Model fit ($\chi^2=3678.203$ Sig= 0.001) Pseudo $R^2= 30.3$ %			آزمون نیکویی
Test of parallel lines ($\chi^2=1359.185$ Sig= 0.001)			برازش مدل

علاوه بر اینها، طبق نتایج جدول ۵ میزان مصرف کالاهای فرهنگی با نگرش به همبستگی دارای رابطه مثبت و معناداری است؛ به این معنا که با افزایش میزان مصرف کالاهای فرهنگی موافقت با همبستگی نیز افزایش می‌یابد. افراد با میزان مصرف فرهنگی زیاد ۴۳ درصد بیشتر از افراد با مصرف کالای فرهنگی کم، نگرش مثبت به همبستگی داشته‌اند.

میزان انسجام خانواده دارای رابطه منفی و معناداری با نگرش به همبستگی است؛ به این صورت که با افزایش میزان انسجام خانواده، نگرش موافق به همبستگی کاهش می‌یابد. افراد

با میزان انسجام خانواده در حد متوسط ۱۴ درصد کمتر و با میزان انسجام خانواده زیاد ۳۶ درصد کمتر از افراد با انسجام خانوادگی کم، نگرش موافقی به همبستگی داشته‌اند. میزان نظارت و مراقبت خانواده نیز رابطه معناداری با نگرش به سبک زندگی همبستگی دارد؛ به این معنا که با افزایش میزان نظارت و مراقبت خانواده، میزان موافقت با همبستگی کاهش می‌یابد. افراد با نظارت و مراقبت خانواده در حد زیاد ۹ درصد در مقایسه با افراد با میزان نظارت و مراقبت خانوادگی کم، نگرش موافق کمتری به همبستگی داشته‌اند. وضعیت اقتصادی

درخصوص هدف اول مطالعه که شناخت تفاوت‌های نگرش به سبک زندگی همبازی در میان زیرگروه‌های مختلف اجتماعی-جمعیتی است، نتایج تحلیل دومتغیره رابطه بین عوامل جمعیتی-زمینه‌ای و اجتماعی با نگرش به سبک زندگی همبازی نشان می‌دهد که افرادی که نگرشی موافق به همبازی داشته‌اند، عمدتاً مرد، مجرد، در سنین ۱۸ تا ۲۳ سال و با تحصیلات دانشگاهی هستند؛ به‌علاوه، نگرش موافق به همبازی در میان غیرشاغلان، افراد شیعه‌مذهب و ساکن در مناطق شهری بیشتر است. در میان قومیت‌ها، بیشترین موافقت با همبازی مربوط به فارس‌ها و کمترین موافقت مربوط به ترکمن‌ها است.

درخصوص هدف دوم مطالعه یعنی تعیین اثرگذاری عوامل مؤثر بر نگرش جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال به سبک زندگی همبازی، نتایج تحلیل رگرسیون رتبه‌ای نشان داد که عوامل جمعیتی (شامل جنسیت، سن، وضعیت تأهل، قومیت، مذهب و محل سکونت)، نظارت و انسجام خانوادگی، نگرش به ازدواج و معاشرت با جنس مخالف و مصرف کالاهای فرهنگی تأثیر معناداری بر نگرش به همبازی داشته‌اند.

متغیرهای اثرگذار بر نگرش به سبک زندگی همبازی در پژوهش حاضر با متغیرهای تأثیرگذار در پژوهش‌های پیشین مطابقت دارد؛ برای مثال، تأثیر جنسیت (نصرتی‌نژاد و بهرامی، ۱۳۹۶؛ مکوندی، ۱۳۹۶؛ امیدوار، ۱۳۹۸؛ Wu & Balakrishnan, 1992؛ Willoughby & Carroll, 2011)، وضعیت تأهل (فروتن، ۱۳۹۸؛ امیدوار، ۱۳۹۸؛ Wu & Balakrishnan, 1992؛ Gubernskaya, 2008؛ Brown & Wright, 2016)، مذهب (Kogan & WeiBmann, 2020)، محل سکونت (فروتن، ۱۳۹۸؛ Williams et al., 2007؛ امیدوار، ۱۳۹۸؛ چیت‌ساز، ۱۴۰۱؛ Wu & Balakrishnan, 1992)، استفاده از اینترنت (صادقی و رضایی، ۱۳۹۸؛ افراشته و فرمانفرمایی، ۱۳۹۶؛ آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱) و تماشای ماهواره (صادقی و رضایی، ۱۳۹۸؛ افراشته و فرمانفرمایی، ۱۳۹۶؛ آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱)، نظارت و مراقبت خانواده (مکوندی، ۱۳۹۶؛ آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱؛ کریمیان و همکاران، ۱۳۹۴؛ رضانی‌فر و آدیش، ۱۳۹۷)، نگرش به ازدواج (Willoughby & Carroll, 2011) در مطالعات

خانوار نیز رابطه مثبت و معناداری با نگرش به همبازی داشته است. افراد با وضعیت اقتصادی متوسط ۱۸ درصد و با وضعیت مرفه ۷۲ درصد در مقایسه با افراد با وضعیت اقتصادی ضعیف، نگرش موافق‌تری به همبازی داشته‌اند؛ به‌علاوه، براساس نتایج تحلیل چندمتغیره، افراد دارای نگرش مدرن به فرایند همسرپایی ۱۵ برابر و دارای نگرش بینابین ۷ برابر از افراد دارای نگرش سنتی به فرایند همسرپایی، نگرش موافق‌تری به سبک زندگی همبازی داشته‌اند. همچنین افراد دارای نگرش بینابین به ازدواج و پایداری آن دو برابر و دارای نگرش مدرن حدود سه برابر از افراد دارای نگرش سنتی، نگرش مثبت‌تری به همبازی داشته‌اند. نگرش به معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج رابطه معناداری با نگرش به همبازی دارد؛ بدین‌صورت که هرچه نگرش به معاشرت دختر و پسر مثبت‌تر باشد، نگرش به همبازی نیز موافق‌تر است. افراد با نگرش بینابین ۱۹ درصد و با نگرش مثبت به معاشرت دوستی دختر و پسر ۹۰ درصد در مقایسه با افرادی که دارای نگرش منفی هستند، نگرش موافق‌تری به سبک زندگی همبازی داشته‌اند؛ درنهایت نتایج نشان داد که مدل از برازش نسبتاً خوبی برخوردار است و این متغیرها درمجموع حدود یک‌سوم واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه

پژوهش حاضر با هدف بررسی نگرش جوانان به سبک زندگی همبازی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن انجام شد. این مطالعه تفاوت‌های نگرشی در میان گروه‌های مختلف جمعیتی و شناسایی عوامل اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی مرتبط با نگرش به همبازی را تحلیل کرد. براساس نتایج پژوهش، حدود ۱۵ درصد جوانان نگرشی موافق به همبازی داشته‌اند. هرچند نگرش مثبت به این موضوع هنوز در جامعه ایرانی کم است؛ اما روند افزایشی آن در مقایسه با پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ بیانگر مسئله‌بودن این پدیده به‌ویژه در آینده خواهد بود.

قبلی نیز مستند شده است؛ علاوه بر اینها، موافقت بیشتر با همباشی در میان افراد ساکن در مناطق شهری (فروتن، ۱۳۹۸؛ امیدوار، ۱۳۹۸؛ چیت‌ساز، ۱۴۰۱؛ Wu & Balakrishnan, 1992) در مطالعات پیشین نیز تأیید شده است. همچنین موافقت با همباشی در میان افرادی بیشتر است که بیشتر در معرض مصرف کالاهای فرهنگی هستند (صادقی و رضایی، ۱۳۹۸؛ افراشته و فرمانفرمایی، ۱۳۹۶؛ آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱). این یافته که افرادی که از میزان نظارت و مراقبت خانواده‌اندکی برخوردارند، نگرش موافق‌تری به همباشی دارند، نیز در مطالعات قبلی (مکوندی، ۱۳۹۶؛ آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، رضائی‌فر و آدیش، ۱۳۹۷؛ کریمیان و همکاران، ۱۳۹۴) تأیید شده است.

در نهایت باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده مشخص شد که چارچوب نظری پژوهش که تلفیقی از نظریات کاشت و اشاعه، کنترل اجتماعی، گذار جمعیتی دوم و تغییرات فرهنگی-ارزشی است، تبیین مناسبی از نگرش به همباشی را به دست می‌دهد. یکی از یافته‌های این پژوهش تأثیر استفاده از رسانه‌ها و مصرف کالاهای فرهنگی بر نگرش به همباشی است. همان‌طور که در نتایج تحلیل چندمتغیره نیز مشخص است، افرادی که میزان مصرف کالاهای فرهنگی در آنها زیاد است در مقایسه با سایر افراد نگرش موافق‌تری به زندگی همباشی دارند. براساس نظریه‌های کاشت و اشاعه، رسانه‌ها و وسایل مصرف فرهنگی از طریق ترویج و تثبیت انواع مختلف سبک‌های زندگی، نقش بسزایی در تقویت نگرش‌ها و ارزش‌های موجود در فرهنگ ایفا می‌کنند. رسانه‌ها از طریق انتشار محتواهای متنوع، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را به اعضای جامعه معرفی و تبلیغ می‌کنند؛ بنابراین، استفاده از رسانه‌ها و وسایل فرهنگی می‌تواند درک افراد به روابطشان را تغییر دهد و به تغییر در نگرش افراد به ازدواج و پیدایش نیازهای جدید و الگوهای نوین جایگزین ازدواج همچون همباشی منجر شود.

یافته دیگر پژوهش حاضر تأثیر نگرش به ازدواج و نگرش به معاشرت دختر و پسر بر نگرش به همباشی براساس نظریه

گذار جمعیتی دوم و نظریه تغییرات فرهنگی-ارزشی تبیین‌پذیر است. براساس نظریه گذار جمعیتی دوم می‌توان گفت تغییر و تحولات خانواده شامل ایجاد تغییراتی در الگوی باروری و فرزندآوری، روند تصاعدی طلاق و تغییر در اشکال ازدواج و پیدایش الگوهای جدید ازدواج و تشکیل خانواده، مانند مجرد قطعی و همباشی می‌شود. همچنین براساس این نظریه افزایش استقلال فردی، فردگرایی و تغییرات به‌وجودآمده در خانواده مانند تغییر از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای به کم‌رنگ‌شدن صمیمیت میان اعضای خانواده منجر می‌شود و تضعیف انسجام خانواده را به دنبال دارد؛ بنابراین، ترکیب عوامل مذکور جهت‌گیری نگرش‌ها، علایق و انتخاب‌های افراد و تغییر و تحول در الگوی ازدواج و گسترش همباشی را در پی دارد. همچنین براساس نظریه تغییرات فرهنگی-ارزشی با مدرن‌شدن جوامع پایبندی به ارزش‌های سنتی و مذهبی سست و کم‌رنگ می‌شود؛ بنابراین، این روند تغییر و تحول در نگرش افراد جامعه به ازدواج را به همراه دارد و باعث می‌شود نگرش افراد جامعه به مسائلی از قبیل ازدواج، رابطه دوستی دختر و پسر، سبک زندگی همباشی و... مدرن و آزادانه‌تر شود.

تأثیر نظارت و مراقبت در خانواده بر نگرش به سبک زندگی همباشی نیز یکی از دیگر از یافته‌های این پژوهش است. براساس نتایج مشخص شد که هرچه قدر نظارت و مراقبت در خانواده کاهش یابد، نگرش به سبک زندگی همباشی نیز موافق‌تر می‌شود؛ بنابراین، براساس نظریه کنترل اجتماعی که بر رابطه کژرفتاری و کنترل اجتماعی تأکید می‌کند، هنگامی که کنترل و نظارت اجتماعی در جامعه ضعیف باشد، احتمال دارد که افراد جامعه به‌سوی آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی حرکت کنند؛ بنابراین، این احتمال وجود دارد هنگامی که نظارت و مراقبت در خانواده کم‌رنگ باشد، نگرش اعضای خانواده نسبت به همباشی مثبت شود.

در نهایت، این پژوهش نشان داد که همباشی به‌رغم محدودیت در پذیرش می‌تواند به‌عنوان روندی در حال

۱/۸ (۴۵)، ۱۲۷-۱۴۸.

https://fasname.msy.gov.ir/article_330_756d26c143efd8b4cdfec0a231a79c06.pdf

افراشته، م.، و فرمانفرمایی، ت. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل نفوذ فرهنگی در تمایل افراد به نوع جدید زندگی زوجین؛ هم‌خانگی. مدیریت فرهنگی، ۱۱ (۳۷)، ۹۹-۱۰۸.

<http://sanad.iau.ir/fa/Article/817605>

امام‌جمعه‌زاده، ج.، ابراهیمی‌پور، ح.، ملک‌ان، م.، و محموداوغلی، ر. (۱۳۹۲). رابطه مصرف اینترنتی و سبک زندگی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان. رفاه اجتماعی، ۱۴ (۵۵)، ۲۹۱-۳۱۴.

<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1682-fa.pdf>

امیدوار، پ. (۱۳۹۸). مطالعه جامعه‌شناختی پدیده هم‌بازی [پایان‌نامه دکتری، دانشگاه پیام‌نور تهران].

گنج. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/79c6d6c41be4c4da53330cb889099dc2>

امیدوار، پ.، دانش، پ.، جواهری، ف.، و زاهدی‌مازندرانی، م. ج. (۱۳۹۷). مطالعه خرده‌فرهنگ هم‌بازی در کلان‌شهر تهران؛ شرایط، زمینه‌ها، و پیامدها. رفاه اجتماعی، ۷۱ (۷۱)، ۳۳۹-۳۸۱.

<https://www.magiran.com/paper/1989489>

ایرانخواه، م.، سراج‌زاده، س. ح.، و طاهری، ع. (۱۳۹۴). پدیده هم‌خانگی در اصفهان از منظر صاحب‌نظران. اولین همایش ملی تغییرات خانواده و چالش‌های آن در ایران، ۳۹-۴۱.

<https://sid.ir/paper/844726/fa>

اینگلهارت، ر.، و ولزل، ک. (۱۳۹۴). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی (یعقوب احمدی، مترجم). کویر.

ترابی، ف.، شمس قهفرخی، ز. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج در ایران و جهان. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۶ (۳۲)، ۱۷۵-۱۴۱.

<https://doi.org/10.22034/jpai.2022.547779.1219>

چیت‌ساز قمی، م. ج. (۱۴۰۱). بررسی وضعیت هم‌بازی در ایران: فراترکیب پژوهش‌های هم‌بازی. پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی، ۲ (۵)، ۷۱-۹۹.

<http://rimag.ir/fa/Article/39860>

حبیب‌پور گتایی، ک.، و غفاری، غ. ر. (۱۳۹۰). علل افزایش

شکل‌گیری، چالش جدی برای ساختارهای اجتماعی و فرهنگی ایران باشد. به بیان دیگر، یکی از چالش‌های فراروی ازدواج و تشکیل خانواده در دهه‌های پیش‌رو، افزایش زندگی‌های هم‌بازی خواهد بود. پرداختن به این موضوع از طریق سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر آگاهی و پیشگیری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به علاوه، باتوجه به آسیب‌ها و چالش‌هایی که این سبک از روابط زناشویی می‌تواند برای سلامت جامعه، فرهنگ و خانواده ایرانی در آینده به همراه داشته باشد، پیشنهاد می‌شود تا مطالعات بیشتری در این حوزه انجام شود و سیاست‌گذاری در حوزه تسهیل ازدواج جوانان اجرایی شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول مقاله در رشته جمعیت‌شناسی است که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به انجام رسیده است. نویسندگان مقاله از پیشنهادها و نظرات اصلاحی داوران محترم پایان‌نامه، تشکر و قدردانی خود را ابراز می‌کنند.

منابع فارسی

آزاد ارمکی، ت.، شریفی‌ساعی، م. ح.، ایشاری، م.، و طالبی، س. (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. جامعه‌پژوهی فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲ (۲)، ۳۴-۱.

https://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_239_4726836f613ef9a24356240982cba743.pdf

آزاد ارمکی، ت.، شریفی‌ساعی، م. ح.، ایشاری، م.، و طالبی، س. (۱۳۹۱). هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. جامعه‌پژوهی فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳ (۱)، ۷۷-۴۳.

https://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_639_cf4e1d32de2d97659983a2a95441723f.pdf

ابراهیمی، م. (۱۳۹۸). مطالعه جامعه‌شناختی علل، زمینه‌ها و پیامدهای گرایش جوانان به هم‌خانگی (مورد مطالعه جوانان شهر تهران). مطالعات راهبردی ورزش و جوانان،

دانشگاه الزهراء [گنج].

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/daf172b5ce0e7480a7220dadce80e612>

ستوده، ه. (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. آوای نور.

شمسی، م. ر. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان

دختر نسبت به برقراری روابط با غیرهمجنس قبل از

ازدواج مورد مطالعه (دانشجویان دختر دانشکده علوم

اجتماعی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی) [پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

مرکزی]. گنج.

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/021a2f7841d9b835453bcadfa4a46562>

صادقی، ر. و رضایی، م. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر

جهت‌گیری‌های ارزشی فرهنگی بر نوع نگرش به ازدواج

جوانان در شهر تهران. مطالعات راهبردی ورزش و

جوانان، ۱۸ (۴۵)، ۸۱-۱۰۵.

https://fasname.msy.gov.ir/article_328_958ee27fc15acd1e413546d88eb899aa.pdf

صفری، س. (۱۳۹۴). مطالعه تجربه زیسته زوجین

تشکیل‌دهنده ازدواج سفید در تهران با روش نظریه

زمینه‌ای [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی

کرج]. گنج.

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/79f5b90b5b1d1479710d3f9bef396cdf>

عظیمی هاشمی، م. اعظم‌کاری، ف.، بیگناه، م. و رضامنش،

ف. (۱۳۹۴). ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان

درخصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج. راهبرد

فرهنگ، ۲۹ (۲۹)، ۱۷۹-۲۱۲.

http://www.jsfc.ir/article_15070_21869aab56527fb82a5d9dea866223cd.pdf

فرامرزی، ف.، مهدوی، م. ص.، و ترکمان، ف. (۱۳۹۶).

برساخت اجتماعی هم‌باشی براساس تجربه زیسته

نمونه‌ای از هم‌باشان. مطالعات اجتماعی ایران، ۱۱ (۱)،

۱۱۹-۱۲۰. 20.1001.1.20083653.1396.11.0.16.1.۹۲

فروتن، ی. (۱۳۹۸). نگرش جمعیت‌شناختی و اجتماعی به

شکل‌های نوظهور خانواده در ایران. جامعه‌شناسی

کاربردی، ۳۰ (۴)، ۱-۲۰.

سن ازدواج دختران. زن در توسعه و سیاست (پژوهش

زن)، ۹ (۱)، ۳۴-۷.

https://jwdp.ut.ac.ir/article_22491_2848763820abb04d8d16f4d20c1b45ce.pdf

حسینی، ن.، سیدمیرزایی، س. م. و ساروخانی، ب. (۱۴۰۰).

مطالعه جامعه‌شناختی رویکرد جوانان به هم‌باشی و

هم‌زیستی‌های نوپدید (مورد مطالعه: شهر تهران). تغییرات

اجتماعی-فرهنگی، ۱۸ (۴)، ۲۲-۴۱.

<https://doi.org/10.30495/jscc.2022.692197>

حقیقتیان، م. و دارابی، م. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر نوسازی

فرهنگی و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده

(مطالعه موردی: شهرستان نهاوند)، مطالعات

جامعه‌شناختی جوانان، ۶ (۲۰)، ۵۷-۸۸.

<https://sid.ir/paper/170102/en>

دانش، پ.، امیدوار، پ. و زاهدی مازندرانی، م. ج. (۱۳۹۷).

بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به زندگی مشترک بدون

ازدواج در بین جوانان شهر تهران. مطالعات توسعه

اجتماعی فرهنگی، ۷ (۳)، ۹-۳۱.

<http://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-312-fa.html>

رسولی، ا. (۱۴۰۰). نگرش جوانان درباره ازدواج سفید. آفاق

علوم انسانی، ۵۱ (۵۰)، ۷۰-۵۱.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1839615>.

رضانی‌فر، ح. و آدیش، م. ع. (۱۳۹۷). مطالعه تجربه زیسته

افراد در مورد ازدواج سفید در ایران (مطالعه کیفی جوانان

شهرستان گیلان). مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی،

۷ (۱)، ۲۱۷-۱۹۵.

زاهدی اصل، م.، فتاحی، م. و محمدزاده، ر. (۱۴۰۰). تجارب و

چالش‌های دختران با سابقه هم‌خانگی. رفاه اجتماعی،

۸۰ (۸۰)، ۲۷۵-۳۰۹.

<https://www.magiran.com/paper/2276583>

زمانی، ف. و حلاج‌زاده، ه. (۱۳۹۸). جوانان و هم‌بالینی

(بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه گیلان در مورد

هم‌بالینی). دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی،

اردبیل. <https://civilica.com/doc/1035622/>.

سبحانی‌نیا، م. (۱۳۹۹). مطالعه تجربه زیسته جوانان به شیوه

هم‌باشی در کلان‌شهر تهران [پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

- Identification of cultural influence factors in individuals' tendency to new type of couples life (Couple). *Journal of Cultural Management*, 37(11), 99-108. [In Persian]. <http://sanad.iau.ir/fa/Article/817605>
- Axinn, W. G., & Thornton, A. (1993). Mothers, children, and cohabitation: The intergenerational effects of attitudes and behavior. *American Sociological Review*, 58(2), 233-246. <https://doi.org/10.2307/2095968>
- Azad-Armaki, T., Sharifi-Saei, M. H., Isari, M., & Talebi, S. (2011). Typology of premarital sexual relations patterns in Iran. *Cultural Sociology*, 2(2), 1-34. [In Persian]. https://socialstudy.iics.ac.ir/article_239_4726836f613ef9a24356240982cba743.pdf
- Azad-Armaki, T., Sharifi-Saei, M. H., Isari, M., & Talebi, S. (2012). Cohabitation; the new family pattern in Tehran. *Sociological Cultural Studies*, 3(1), 43-77. [In Persian]. https://socialstudy.iics.ac.ir/article_639_cf4e1d32de2d97659983a2a95441723f.pdf
- Azimi-Hashemi, M., Azamkari, F. E., Bigonah, M. S., & Rezamanesh, F. (2015). Values, attitudes and models of the youth actions in choosing spouses and premarital relations; Case of study: Students of universities of Khorasan Razavi Province. *Strategy for Culture*, 29, 179-212. [In Persian] http://www.jsfc.ir/article_15070_21869aab56527fb82a5d9dea866223cd.pdf
- Bongaarts, J., & Watkins, S. C. (1996). Social interactions and contemporary fertility transitions. *Population and Development Review*, 22(4), 639-682. <https://doi.org/10.2307/2137804>
- Brown, S. L., & Wright, M. R. (2016). Older adults' attitudes toward cohabitation: Two decades of change. *J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci*, 71(4), 755-64. DOI: 10.1093/geronb/gbv053
- Chitsaz, M. (2023). Examining the cohabitation status in Iran: A synthesis of cohabitation researches. *Research of Deviance and Social Problems*, 5(2), 71-99. [In Persian]. <http://rimag.ir/fa/Article/39860>
- Clarkberg, M., Stolzenberg, R., & Waite, L. J. (1995). Attitudes, values, and entrance into cohabitational versus marital unions. *Social Forces*, 74(2), 609-632. <http://dx.doi.org/10.1093/sf/74.2.609>
- Danesh, P., Omidvar, P., & Zahedi-Mazandarani, M. J. (2019). Investigating the factors affecting the tendency toward unmarried joint life among youth in Tehran [Research]. *Socio-Cultural Development Studies*, 7(3), 9-31. [In Persian]. <http://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-312-en.html>
- Ebrahimi, M. (2019). A study on the causes, areas and implications of the youth tendency to cohabitation (Case study: Youth in Tehran). *Strategic Studies on Youth and Sports*, 18(45), 127-148. [In Persian] https://faslname.msy.gov.ir/article_330_756d26c143efd8b4cdfec0a231a79c06.pdf
- <https://doi.org/10.22108/jas.2019.111964.1434>
- فرهمنند، م.، جواهرچیان، ن.، و هاتفی راد، ل. (۱۳۹۳). جهانی شدن فرهنگ و بازاریابی تعاملات جنسی (مورد مطالعه، جوانان شهر یزد). *مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی*، (۱۴)، ۱۷۵-۲۰۴. https://sspp.iranjournals.ir/article_7761_8f931cfd3c35e0e44f32c1389021eb9a.pdf
- کریمیان، ن.، و زارعی، ا. (۱۳۹۵). بررسی کیفی وضعیت زندگی زنان دارای رابطه هم خانگی با جنس مخالف. زن و جامعه، ۲۷، (۲)، ۶۸-۳۹. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_2023_24cd40e942d2673c0df9cd1e473c91e2.pdf
- کریمیان، ن.، سالاری، س.، و ملکاری، ب. (۱۳۹۴). رابطه هم خانگی در ایران: بررسی کیفی علل و انگیزه های گرایش به آن. *مطالعات روان شناسی بالینی*، ۶، (۲۱)، ۱۷۸-۱۹۷. <https://doi.org/10.22054/jcps.2016.2389>
- مطلق، م.، و قریشی، م. (۱۴۰۱). مطالعه جامعه شناختی پدیده همباشی در شهر تهران. *پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی*، ۲، (۵)، ۶۹-۳۱. <http://rimag.ir/fa/Article/39735>
- مکوندی، ر. (۱۳۹۶). نگرش زنان و مردان مجرد شهر تهران به همباشی (Cohabitation) و بررسی عوامل مؤثر بر آن [پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء]. گنج. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/a9180ae886b5552cf5ab0abbb39ded1e>
- نصرتی نژاد، ف.، و بهرامی، گ. (۱۳۹۶). عوامل تعیین کننده همباشی. *مددکاری اجتماعی*، ۶، (۲)، ۳۵-۴۲. <http://socialworkmag.ir/article-1-284-fa.html>
- هادیزاده، م.ه.، و فرحزادی، ن. (۱۳۹۲). زندگی مشترک بدون ازدواج، پدیده ای نوظهور. *سیزدهمین همایش ملی انجمن مشاوره ایران*. <https://sid.ir/paper/875858/fa>

References

- Addah-Temple, T. O., Adewole, K. O. S., & Fagbenro, D. A. (2021). The role of peer influence and tertiary institution type on attitude towards cohabitation among adolescents in Nigeria. *Open Journal for Anthropological Studies*, 5(1), 29-36. DOI:10.32591/coas.ojas.0501.03029
- Afrashteh, M., & Farmanfarmaee, T. (2017).

- Family Changes and Its Challenges in Iran*. [In Persian]. SID. <https://sid.ir/paper/844726/fa>
- Karimian, N., & Zarei, E. (2016). A qualitative study: The effect of opposite-sex premarital cohabitation on women's life status. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 7(2), 39-68. [In Persian] https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_2023_24cd40e942d2673c0df9cd1e473c91e2.pdf
- Karimian, N., Salari, S., & Malkari, B. (2016). Investigation of the causes and motivations of the youth trends to cohabitation relationships: A qualitative study. *Clinical Psychology Studies*, 6(21), 178-197. [In Persian] <https://doi.org/10.22054/jcps.2016.2389>
- Kogan, I., & Weißmann, M. (2020). Religion and sexuality: Between- and within-individual differences in attitudes to pre-marital cohabitation among adolescents in four european countries. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 46(17), 3630-3654. <https://doi.org/10.1080/1369183x.2019.1620416>
- Landor, A. M., & Halpern, C. T. (2016). The enduring significance of skin tone: Linking skin tone, attitudes toward marriage and cohabitation, and sexual behavior. *Journal Youth and Adolescence*, 45, 986-1002. doi: 10.1007/s10964-016-0456-8
- Lesthaeghe, R. (2014). The second demographic transition: A concise overview of its development. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 111(51), 18112-18115. <http://dx.doi.org/10.1073/pnas.1420441111>
- Lesthaeghe, R. (2020). The second demographic transition, 1986–2020: Sub-replacement fertility and rising cohabitation—a global update. *Genus: Journal of Population Sciences*, 10, 1-38. <https://doi.org/10.1186/s41118-020-00077-4>
- Lye, D. N., & Waldron, I. (1997). Attitudes toward cohabitation, family, and gender roles: Relationships to values and political ideology. *Sociological Perspectives*, 40(2), 199-225. <https://doi.org/10.2307/1389522> <http://www.jstor.org/stable/1389522>
- Makvandi, R. (2017). *The attitude of unmarried women and men in Tehran to cohabitation an investigating the factors affecting* [Master's thesis, Al-Zahra University]. Ganj. [In Persian] <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/a9180ae886b5552cf5ab0abbb39ded1e>
- Motlaq, M., & Ghoreishi, M. (2023). The sociologically study of the cohabitation in Tehran city. *Research of Deviance and Social Problems*, 2(5), 31-69. [In Persian]. <http://rimag.ir/fa/Article/39735>
- Nosratinejad, F., & Bahrami, G. (2017). The determinants of cohabitation [Review Article]. *Quarterly Journal of Social Work*, 6(2), 35-42. [In Persian] <http://socialworkmag.ir/article-1-284-fa.html>
- Omidvar, P. (2019). *A sociological study of the*
- Farahmand, M., Javaherchian, N. & Javaherchian, L. (2014). Globalization of culture and rethinking of sexual interactions; A case study of the youth in Yazd. *Strategic Studies of public policy*, 5(14), 175-204. [In Persian] https://sspp.iranjournals.ir/article_7761.html?lang=en
- Faramarzi, F., Mahdavi, M., & Torkaman, F. (2017). Social construction of cohabitation based on the lived experience of cohabitated people. *Journal of Iranian Social Studies*, 11(1), 92-119. [In Persian] [20.1001.1.20083653.1396.11.0.16.1](https://doi.org/10.22008/11.0.16.1)
- Foroutan, Y. (2019). Socio-demographic attitude towards emerging forms of family in Iran. *Journal of Applied Sociology*, 30(4), 1-20. [In Persian] <https://doi.org/10.22108/jas.2019.111964.1434>
- Gubernskaya, Z. (2008). Attitudes toward cohabitation in 28 countries: Does marital status matter? Population association of America. *Population Association of America 2008 Annual Meeting Program*, New Orleans, LA, April 17. <https://paa2008.populationassociation.org/papers/80851>
- Habibpour-Gatabi, K., & Ghaffary, G. R. (2011). A study on the causes of rising marriage age among girls. *Woman in Development & Politics*, 9(1), 7-34. [In Persian] https://jwdp.ut.ac.ir/article_22491_2848763820abb04d8d16f4d20c1b45ce.pdf
- Hadizadeh, M. H., & Farahzadi, N. (2013). Cohabitation without marriage, an emerging phenomenon. *National Conference of the Iranian Counseling Association*. [In Persian] <https://sid.ir/paper/875858/fa>
- Haghighatian, M., & Darabi, M. (2016). Effects of cultural modernization and the mechanism of its effect on family values (Case study: The city of Nahavand). *Sociological Studies of Youth*, 6(20), 57-88. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/170102/en>
- Hosseini, N., Mirzaei, S. M. S., & Saokhani, B. (2022). Sociological study of young people's approach to cohabitation and emerging coexistences (Case study: Tehran city). *Journal of Socio-Cultural Changes*, 18(4), 22-41. [In Persian] <https://doi.org/10.30495/jscc.2022.692197>
- Imanjomezadeh, S. J., Ebrahimipour, H., Malekan, M., & Mahmoudoghli, R. (2015). Investigating the relationship between internet use and life style among students: A case study on Isfahan university students. *Social Welfare Quarterly*, 14(55), 291-314. [In Persian] <https://www.magiran.com/paper/1426182>
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2015). *Modernization, cultural change and democracy* (Y. Ahmadi, TranS.). Kavir. [In Persian]
- Irankhah, M., Serajzadeh, S. H., & Taheri, A. (2015). The phenomenon of cohabitation in Isfahan from the perspective of experts. *National Conference on*

- youth living in a cohabitation in Tehran [Master's thesis, Al-Zahra University]. Ganj. [In Persian] <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/daf172b5ce0e7480a7220dadce80e612>
- Sotoudeh, H. (2000). *Social pathology*. Avae Noor Publications. [In Persian]
- Torabi, F., & Shams-Ghahfarokhi, Z. (2021). Factors affecting marriage delay in Iran and around the world. *Journal of Population Association of Iran*, 16(32), 141-175. [In Persian] <https://doi.org/10.22034/jpai.2022.547779.1219>
- Thornton, A., & Young-DeMarco, L. (2001). Four decades of trends in attitudes toward family issues in the United States: The 1960s through the 1990s, *Journal of Marriage and Family*, 63(4), 1009-1037. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2001.01009.x>
- Villeneuve-gokalp, C. (1991). From marriage to informal union: recent changes in the behavior of French couples. *Population: An English Selection*, 3, 81-111. <https://www.jstor.org/stable/2949133>
- Williams, L., Kabamalan, M., & Ogena, N. (2007). Cohabitation in the Philippines: Attitudes and behaviors among young women and men. *Journal of Marriage and Family*, 69(5), 1244-1256. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2007.00444.x>
- Willoughby, B. J., & Carroll, J. S. (2011). Correlates of attitudes toward cohabitation: Looking at the associations with demographics, relational attitudes, and dating behavior. *Journal of Family Issues*, 33(11), 1450-1476. <https://doi.org/10.1177/0192513x11429666>
- Wu, Z., & Balakrishnan, T. R. (1992). Attitudes towards cohabitation and marriage in Canada. *Journal of Comparative Family Studies*, 23(1), 1-12. <https://www.jstor.org/stable/41602182>
- Zahediasl, M., Fathi, M., & Mohammadzadeh, R. (2021). Experiences and challenges of girls with a history of cohabitation. *Social Welfare Quarterly*, 21(80), 275-309. [In Persian]. <https://www.magiran.com/paper/2276583>
- Zamani, F., & Hallajzadeh, H. (2019). Investigating the attitude of Gilan university students about cohabitation. *Second National Conference on Social Injury*. Ardebil. [In Persian] <https://civilica.com/doc/1035622/>
- phenomenon of cohabitation [PhD thesis, Payam Noor University of Tehran]. Ganj. [In Persian] <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/79c6d6c41be4c4da53330cb889099dc2>
- Omidvar, P., Danesh, P., Javaheri, F., & Mazandarani, M. J. Z. (2019). Studying the cohabitation subculture in metropolis Tehran (Backgrounds and consequents). *Social Welfare Quarterly*, 18(71), 339-381. [In Persian]. <https://www.magiran.com/paper/1989489>
- Ramezanifar, H., & Adish, M. A. (2018). Study the experiences of people living about white marriages in Iran (Qualitative study of youth in Gilan city). *Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 7(1), 195-217. [In Persian]. <https://www.magiran.com/paper/1966301>
- Rasouli, E. (2021). Youth's attitudes about white marriage. *Journal of Humanities Horizons*, 5(50), 51-70. [In Persian]. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1839615>
- Rosina, A., & Fraboni, R. (2004). Is marriage losing its centrality in Italy? *Demographic Research*, 11(6), 149-172. <https://doi.org/10.4054/DemRes.2004.11.6>
- Sadeghi, R., & Rezaei, M. (2019). Value-cultural orientations and attitude toward marriage among youth in Tehran City. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 18(45), 81-105. [In Persian]. https://faslname.msy.gov.ir/article_328_958ee27fc15acd1e413546d88eb899aa.pdf
- Safari, S. (2016). *The studying of lived experience of white marriage couples by grounded theory* [Master's thesis, Kharazmi University of Karaj]. Ganj. [In Persian] <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/79f5b90b5b1d1479710d3f9bef396cdf>
- Shamsi, M. R. (2016). *Understanding the attitude of students towards heterosexual relationships before marriage* [Master's thesis, Central Tehran Azad University]. Ganj. [In Persian]. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/021a2f7841d9b835453bcadfa4a46562>
- Shields-Dutton, K. (2016). *Attitudes toward cohabitation: A cross sectional study* [Masters thesis, University of Central Florida]. Stars. <https://stars.library.ucf.edu/etd/4982>
- Sobhaninia, M. (2010). *Studying the experience of*

